

جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)
دوره جدید، سال چهاردهم، شماره ۵۱، زمستان ۱۳۹۵

ژئوکفتمان جریان تکفیری IS و بازنمایی رسانه‌ای آن با تمرکز بر رسانه‌های دیجیتال

امیر محسن‌زادگان^۱، حسین مسعودنیا^۲، امیرمسعود شهرام‌نیا^۳، سیدجواد امام‌جمعه‌زاده^۴
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۹/۲۵، تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹

چکیده

این نوشتار در صدد واکاوی عملکرد رسانه‌ای جریان تکفیری - تروریستی IS می‌باشد. بر این اساس فرایند گفت‌وگو سازی این جریان در فضای مجازی و شبکه‌های مجازی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در واقع روند پی‌ریزی منظومه گفتمانی و صورت‌بندی گره‌های معنایی که موقعیت خودی و دگر را برمی‌سازد و آن را در موقعیت هژمونیک و برتر می‌نشانند از مجرا و کانال شبکه‌های مجازی با بهره‌گیری از تکنیک‌های رسانه‌ای مدنظر این پژوهش است. بر این مبنا پرسش اصلی نوشتار معطوف بر سنجش میزان سودمندی و فرصت‌زایی این عرصه‌های رسانه‌ای برای اقدامات این جریان و یا در مقابل تهدیدها بودن این فضاها برای موقعیت این جریان و در کل جریان‌های تکفیری می‌باشد. فرضیه این نوشتار نیز دلالت بر مفید بودن این فضا برای این جریان‌ها به دلیل رویکرد حرفه‌ای ایشان به شبکه‌های اجتماعی و اشراف و شناخت بر کارکرد رسانه‌ها در راستای تکوین روند تروریسم رسانه‌ای در چارچوب عملیات روانی در تکمیل اقدامات ژئوپلیتیکی می‌باشد.

کلیدواژه‌گان: ژئوکفتمان، تروریسم رسانه‌ای، بازنمایی رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی، جهان دورگه مجازیت واقعی، دو فضایی شدن، عصر تصویرسازی، دیپلماسی توییتری، دیپلماسی هشتگ.

۱. دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، amir_mohsenzade@yahoo.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول؛ H.masoudnia@ase.ui.ac.ir

۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، M_shahramnia@yahoo.com

۴. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه اصفهان، Javad@ase.ui.ac.ir

مقدمه

امروزه پدیده تروریسم وجوه متنوع و گوناگونی را بازتاب می‌دهد؛ در واقع نمود و جلوه این پدیده را در تخصص‌ها و وجوه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مختلفی می‌توان متجلی دید. در این راستا می‌توان بیان داشت تروریسم به نوعی صنعت، علم، فلسفه، آیین، فناوری، تجارت و حتی سبک زندگی مبدل گشته و حتی واجد و دربرگیرنده وجوه هنری است. سرکرده‌های گروه‌های تروریستی و تکفیری در منطقه خاورمیانه که ایده‌های بلندپروازانه‌ای را دنبال می‌کنند و القاب و جایگاه‌های رفیعی برای خود در نزد هوادارانشان ترسیم نموده‌اند، اکنون در قامت و جلوه پدر خوانده‌ها و یا به تعبیری گراند بارون‌های بزرگ ارگان‌های مافیایی تکفیری تروریستی بروز و ظهور یافته‌اند.

با گسترش و پدیداری فناوری‌های نوین ارتباطاتی و اطلاعاتی، این ابزارها فرصت‌ها و تهدیدهایی را خلق نموده‌اند. گروه‌های تروریستی نیز با بهره‌گیری از این ابزارها و استفاده از رسانه و کارکردهای آن در عصر تصویرسازی سعی نموده‌اند در راستای گفتمان‌سازی و جذب نیرو و امکانات از این فضا به موازات گسترش فضای ژئوپلیتیکی بهره‌گیرند. از این رو، می‌باشد که صاحب‌نظران مفهوم ژئوگفتمان را در سطحی بالاتر از مفهوم ژئوپلیتیک برای واکاوی روندها و تحولات حاکم در عرصه سیاست بین‌الملل به‌کار می‌گیرند. در واقع در عصر جهانی شدن به نوعی فضای واقعی و مجازی به موازات هم و در تکمیل هم قرار گرفته‌اند و از این‌روست که مفهوم «دو فضایی شدن» از سوی پژوهشگران به‌کار می‌رود و به نوعی مانوئل کاستلز نیز از این روند به «جهان دورگه مجازیت واقعی» تعبیر نموده است.

بسیاری از صاحب‌نظران جریان‌های تکفیری و سلفی را مازاد لیبرال دموکراسی و حاصل روند مدرنیته قلمداد کرده‌اند و به نوعی با وام‌گیری از ایده‌های فوکو، این گروه‌ها و اعمال تروریستی ایشان را ضد قدرت و مقاومت بروز یافته در برابر استیلای مدرنیته فرهنگی غرب و روند امریکایی شدن تلقی نموده‌اند.

بر این مبناست که نقش این گروه‌ها در سیاست بین‌الملل و ایفای نقش‌شان در معادلات قدرت و موازنه قدرت در سطح منطقه در چارچوب جنگ نیابتی^۵ جلوه عینی به‌خود می‌گیرد. بر این

اساس جا دارد عملکرد رسانه‌ای و بهره‌گیری ایشان از فضای مجازی و تکنیک‌های رسانه‌ای در کنار اقدامات ژئوپلیتیکی در راستای گفتمان سازی و تسخیر مغزها و مکانیسم کنترل روانی - فکری در چارچوب تکنیک‌های عملیات روانی و تصویرسازی جذاب از خود در راستای فرایند خودی- دگرسازی و ترسیم دارالاسلام و دارالکفر و بازسازی دوره طلایی اسلام در قرون میانه مورد واکاوی و مذاقه قرار گیرد.

در چارچوب این نوشتار با تمرکز بر تروریسم رسانه‌ای گروه داعش یا به تعبیری دولت اسلامی خودخوانده بر واکاوی ابعاد مختلف عملکرد رسانه‌ای ایشان توجه می‌شود. بر این مبنا سوال اصلی پژوهش طرح می‌گردد که آیا فضای مجازی و در کل عرصه رسانه توانسته است نقش مثبت و موثری در راستای گفتمان‌سازی گروه‌های تکفیری بالاخص داعش ایفا نماید یا این عرصه موجب خنثی‌سازی ایده‌ها و تبلیغات ایشان و درکل عاملی تهدیدزا برای موجودیت ایشان بوده است.

این نوشتار به صورت تحلیلی با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه و دیدگاه‌های میشل فوکو که در آن گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از تارنماهای اینترنتی می‌باشد صورت‌بندی شده است.

چارچوب نظری

تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان از روش‌هاییست که در مورد تحقیقات علوم اجتماعی به‌طور عام و علوم سیاسی به‌طور خاص به‌کار گرفته شده و در دهه گذشته در ایران کتب، مقالات و رسالات مختلفی با به کارگیری این روش به‌عنوان ابزار متدلوژیک به رشته تحریر در آمده است.

ون دایک تحلیل گفتمان را «رویکردی انتقادی برای مطالعه مسائل اجتماعی، قدرت و نابرابری» می‌داند. به‌زعم وی پژوهشگر با تحلیل گفتمان می‌کوشد تا به فهم این مساله نائل آید که مردم چگونه «زبان را به‌کار می‌برند، فکر می‌کنند، درگیر تعامل می‌شوند و چگونه گروه‌ها، جوامع و فرهنگ‌های خود را شکل می‌دهند و بازتولید می‌کنند (ون‌دایک ۱۳۸۲: ۷۱-۷۲ به نقل از: سیدامامی، ۱۳۸۷: ۴۹۱)». «در رویکرد مبتنی بر تحلیل گفتمان، طرز فکرها، نگرش‌ها، اعمال و فعالیت‌های

کنشگران سیاسی در چارچوب گسترده‌تر معنایی شکل می‌گیرند. این چارچوب همان گفتمان است و بدون تحلیل آن، معانی بسیاری از کنش‌ها و باورهای سیاسی امکان‌پذیر نیست. ویژگی گفتمان سیال بودن آن است. همواره امکان بازترکیب‌های جدید از عناصر گفتمانی وجود دارد، یعنی اجزای گوناگون در ذخیره شناخت و دانش افراد همواره می‌توانند ترکیبی دوباره در هویتی جدید بیابند (همان).

میشل فوکو گفتمان را فراتر از ایدئولوژی می‌داند و همه رخدادها و تحولات و کنش‌ها را گفتمانی می‌داند. در واقع همه چیز در گفتمان رخ می‌دهد و قابل تحلیل است. تحلیل گفتمان شاخه‌های متعددی دارد و آن گونه‌ای که از آن در این نوشتار بهره گرفته شده است تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه^۶ می‌باشد. ذکر این مطلب ضروریست که بهره‌گیری از این روش به‌عنوان روشی کیفی دلالت بر این امر دارد که خود ذهنیت محقق و مفسر و برداشت‌ها و ارزش‌های وی جزئی از روند تحقیق و روند و فرآیند بر ساختگی و قوام بخشی گفتمان‌های ترسیم شده می‌باشد. پس زاویه نگاه، پرسپکتیو و دور نمای اندیشه‌ای محقق و نقش آن در روند شاکله بخشی به مولفه‌های تحقیق امری غیرقابل انکار است. در واقع سیاست‌شناس نقاد در موضع کالبدشکافی وقایع، عرصه و صحنه تحولات و وقایع و بافت و زمینه برساخته شدن گفتمان‌ها را به مثابه سالن تشریحی می‌پندارد که تکه‌برداری‌ها و جرح و تعدیل‌ها از متن رویدادها را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه: لاکلاو با توسعه دیدگاه‌های فوکو و دیگر اندیشمندانی چون دریدا، گرامشی و... که تحلیل رویدادها را در سطح روبنا ردیابی می‌کنند و تمام تحولات را در چارچوب دیسکورس برساخته و قوام یافته می‌پندارند توانسته است دستگاهی تحلیلی برای ترسیم گفتمان‌ها پی‌ریزی نماید. در منظومه گفتمانی که وی طرح می‌نماید دال‌ها در حول دال مرکزی^۷ تثبیت معنایی می‌شوند. در واقع دال‌ها نشانه‌هایی هستند که هنگامی که در حوزه گفتمان‌گونی قرار دارند عنصر نامیده می‌شود و به مجرد قرارگرفتن در موضع تثبیت موقت به وقته مبدل می‌شوند. دال‌های شناور نشانه‌هایی هستند که مدلول خود را نیافته‌اند. دال تهی به

6. E.Laclau and C.Mouffe

7. Nodal Point

نشانه‌هایی اطلاق می‌شوند که غیبت آن‌ها در جامعه مشاهده می‌شود. دال‌ها پیش از تثبیت و مفصل‌بندی^۸ در منظومه گفتمانی در حوزه گفتمان‌گونگی‌اند و هنگامی که در منظومه گفتمانی تثبیت می‌شوند زنجیره هم‌ارزی را تشکیل می‌دهند و از این‌رو، گفتمان می‌تواند در تنازعات گفتمانی در موضع هژمونیک قرار گرفته و با برجسته‌سازی خود گفتمان‌های دیگر را به حاشیه براند. هنگامی که گفتمانی بتواند توجه افکار عمومی را جلب کند قابلیت دسترسی^۹ خود را به رخ کشیده خود را به‌عنوان کلید گشایش قفل مشکلات و حل بحران‌ها عرضه می‌نماید. یعنی گفتمان با ایجاد وجه استعاری برای خود و ترسیم فضایی اسطوره‌ای به ترسیم وضع مطلوب و آرمانی اقدام می‌نماید. به واقع "هدف کردارهای هژمونیک مفصل‌بندی دال‌های شناور و عناصر تصادفی در یک پروژه سیاسی و معنا بخشیدن به آنهاست".

تغییرات گفتمانی از این منظر به دوگونه احصاء شده است: ۱. تحولات "در" گفتمانی؛ ۲. تحولات "از" گفتمانی. تحولات "در" گفتمانی تحولاتی است که اساس و بنیان گفتمان حفظ می‌شود یعنی هسته مرکزی و دال مرکزی دچار دگرگونی نمی‌شود و تحولات در احکام حاشیه‌ای صورت می‌گیرد و در ذیل یک ابرگفتمان خرده گفتمان‌های دیگری را شاهدیم. اما در تحول نوع دوم، شاهد دگرگونی اساسی در منظومه گفتمانی و دال مرکزی و مدلولات بوده و در واقع شاهد رخ دادن یک "از جاشدگی" یا گسست گفتمانی می‌باشیم [برای مطالعه بیشتر ر.ک: (سلطانی، ۱۳۷۷ و سلطانی، ۱۳۹۱) و (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴) و (منوچهری و دیگران، ۱۳۸۷)]. در واقع ما با سرشت و ماهیت تقویمی و تاسیسی گفتمان و زبان مواجهیم. گفتمان‌ها خود حاصل مفصل‌بندی هویت‌های زبانی متمایز و سیال یا آنچه ویتگنشتاین بازی زبانی می‌خواند هستند. هدف کردارهای هژمونیک نیز مفصل‌بندی دال‌های شناور و عناصر تصادفی در یک پروژه سیاسی و معنا بخشیدن به آنهاست (ر.ک: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۷-۳۰۹). هر گفتمانی در نزاع با گفتمان‌های دیگری است که سعی دارند واقعیت را به‌گونه‌ای دیگر تعریف کنند و خط‌مشی‌های متفاوتی برای عمل اجتماعی ارائه کنند. غیریت‌سازی‌های اجتماعی وقتی پیدا می‌شوند که هویت‌های متفاوت همدیگر را نفی و طرد می‌سازند. در واقع ما مداوماً به

8. Articulation

9. Availability

شیوه‌ای اجتماع را می‌سازیم که شیوه‌های دیگر را طرد می‌کند. در این راستا موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی ایشان برای تولید معنا بستگی دارد. در چارچوب تنازعات گفتمانی در صورتی که گفتمان رقیب بتواند به کمک سازوکارهای مختلف این نظام معنایی را شالوده شکنی کند و ساختارهای معنایی شکل گرفته در ذهنیت جمعی مردم را درهم بریزد آن گاه این گفتمان هژمونی‌اش را از دست می‌دهد. بنابر این سلطه معنایی بر افکار عمومی بهترین و موثرترین شیوه اعمال قدرت است. گفتمان‌ها همواره به واسطه سازوکارهای معنایی بر سر تصاحب افکار عمومی با هم در حال رقابتند و بقیه تحولات اجتماعی تابع منازعات معنایی هستند. در این راستا گفتمان‌ها در قالب منازعات گفتمانی در صدد بازنمایی «ما» و «آنها» برآمده نقاط درگیری معنایی را ترسیم می‌سازند. با کنار هم نهادن مجموع واژه‌های «خودی» و متن و در تقابل گذاشتن آن با مجموع واژه‌های مربوط به گفتمان رقیب می‌توان به نقاط درگیری معنایی میان گفتمان‌ها پی برد (ر.ک: سلطانی، ۱۳۷۷).

ژئوگفتمان^{۱۰}: این مفهوم در سطحی بالاتر از مفهوم ژئوپلیتیک از سوی صاحب‌نظران پردازش شده است و دلالت بر تسخیر اذهان و افکار توده‌ها با استفاده از گفتمان‌پردازی بواسطه استفاده از ابزارهای ارتباطاتی و اطلاعاتی به موازات فتوحات سرزمینی دارد (تاجیک، ۱۳۸۷: سمینار آسیب‌شناسی دیپلماسی رسانه‌ای در ایران). ژیروید اوتواتهایل^{۱۱} و جان آگنیو^{۱۲} به ارتباط دو مفهوم ژئوپلیتیک و گفتمان پرداخته و با توجه به آثار جرج کنان، آن را در مورد استدلال‌های ژئوپلیتیکی در مورد سیاست خارجی آمریکا تبیین نموده‌اند. ایشان با رجوع به نوشتار ماری کالدردر مورد جنگ سرد اذعان دارند که به‌زعم وی جنگ سرد همیشه یک گفتمان بوده است، یک جدال بر سر کلمات؛ کاپیتالیسم در مقابل سوسیالیسم. کالدردر این راستا اذعان دارد که شیوه‌ای که ما جهان را توصیف می‌نماییم و کلماتی که ما استفاده می‌کنیم، چگونگی نگرش ما به جهان و چگونگی تصمیم ما برای اقدام را شکل می‌دهد (Otuathail and Agnew, 1992: 190). از نظر نویسندگان مقاله مذکور، ژئوپلیتیک آن‌چنان که برخی استدلال خواهند نمود در رابطه با تخصصات و کاربرد نیروی نظامی مهم‌ترین و در اولویت‌ترین امر است. از

10. Geo-discourse

11. Gearroid Otuathail

12. john Agnew

این نظر چنین رویه‌ای یقیناً ژئوپلیتیکی است اما از طریق گفتمان است که تصمیم برای حمله به کشوری و یا تاسیس یگان‌های نظامی خاص و به‌کارگیری تجهیزات نظامی ویژه‌ای معنادار و توجیه‌پذیر می‌گردد. بواسطه گفتمان است که رهبران دست به اقدام می‌زنند و از طریق ادراکات ژئوپلیتیکی و دلایل انگیزنده شده به‌نحو جغرافیایی است که اقدامات سیاست خارجی توضیح داده شده و جنگ‌ها معنادار جلوه داده شده‌اند. اینکه ما چگونه جهان اجتماعی‌مان را بواسطه استفاده ساخت یافته به‌نحو اجتماعی از زبان، سخنرانی‌های سیاسی و مشابه آن می‌فهمیم و می‌سازیم به ما ابزارهای احیاء و بازسازی خودادراکی‌های بازیگران موثر در سیاست جهانی را اعطاء می‌نماید (Ibid: 191).

رسانه‌های دیجیتالی و بازنمایی رسانه‌ای

با ورود بشر به عصر فراصنعتی و در عصر جهانی شدن و انفجار اطلاعات و دهکده جهانی به تعبیر مارشال مک لوهان که زمان و مکان با یک کلیک صفحه کلید رایانه‌ها در کسری از ثانیه در هم نوردیده می‌شوند و از این رو، فضای مجازی در قامت یک قاره (قاره هفتم) متجلی گشته و مرزهای سیاسی در عصر ظهور E-government و پدیدار گشتن Netizen Culture کمرنگ شده و به نوعی مرزها شیشه‌ای شده‌اند؛ رسانه‌ها می‌توانند کارکردهای مختلفی منجمله از بعد جامعه‌شناختی ایفا نمایند، از این‌رو، رسانه‌ها در این عصر بنا بر ذات و ماهیت خود با توجه به تفکری که در پشت آن و در دست‌گردانندگان و سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌پردازی راهبران آن رسانه قرار دارد برای شکل‌دهی و جهت‌دهی به افکار عمومی و مخاطبان با Maximize کردن، برجسته‌سازی و آگراندیسمان و اگرچه نمودن بحران‌ها و نارسایی‌ها و ضعف‌ها در جبهه غیرخودی از یکسو و کمرنگ‌سازی و Minimize نمودن و کوچک جلوه‌دادن و نفی و حذف بحران‌ها و ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها در جبهه خودی از سوی دیگر، در راستای منافع صاحبان قدرت و سیاست گام برمی‌دارند.

در این راستا گره‌های معنایی در قطب خودی و دگر سامان می‌یابد و رسانه واسطه و ابزاری در جهت مفصل‌بندی عناصر و نشانه‌ها و دال‌ها در نظام معنایی و منظومه فکری گفتمانی خاص می‌باشد که موقعیت هژمونیک به گفتمان خودی بخشیده تا سایر پاد گفتمان‌ها و گفتمان‌های

رقیب را در موقعیت فرودست بنشانند تا به واسطه این پروسه معنایزدی و تصویرسازی در عصر قدرت هوشمند - که تصویرسازی در نزد افکار عمومی در دوران جهانی شدن یک اصل ضروری و مهم در امر قدرت‌سازی می‌باشد - مشروعیت اقدامات و کنش‌ها در نظر افکار عمومی و جهانیان عملی و محقق گردد. در واقع رسانه امروزه در چارچوب قدرت نرم از ابزار و سرچشمه‌های قدرت بوده و اهمیتی راهبردی برای سیاست‌گذاران دارد که افکار عمومی و جامعه هدف مخاطبان را از منابع بالقوه قدرت در قرن ۲۱ قلمداد می‌نمایند.

بر این اساس رسانه‌های ارتباط جمعی متعلق به گروه‌ها، جریان‌ها و دولت‌ها با Unit و یکسان کردن و یکدست کردن جامعه، شهروندان و طیف هواداران و پیروان و سمپات‌ها به مهندسی جامعه و سازمان‌دهی و کنترل نظام فکری و جهت‌دهی افکار عمومی و شکل‌دهی به ایستارهای شهروندان و همچنین کانالیزه نمودن توقعات و نیازهای اقشار و طبقات مختلف جامعه پرداخته و همچون چشم بزرگ ناظر و ناظری ارشد و در قامت یک Big Other پدیدار گشته‌اند. بر این بنیان است که رسانه‌ها با اتکا بر پشتوانه سخت‌افزاری و بهره‌گیری از جنبه‌های نرم‌افزاری و مکانیسم‌های کنترل روانی و فکری جامعه به گسترش و نضج‌گیری تمامیت‌خواهی و توتالیتریزم دامن می‌زنند.

اطلاعات جهت‌دهی داده شده و پردازش گشته توسط اربابان رسانه‌ها و اتاق‌های فکر حاکم بر این موسسات همگام با خبرهای خام و تحریف شده یا همراه با تحلیل‌های جهت‌دار در راستای القای اهدافی خاص در بستری خاص و ظرف زمانی و مکانی مثله شده برای مخاطبان غیرمتخصص با دایره شمول و فراگیری عام که به آن Misinformation اطلاق می‌شود مخاطبان را در راستای فرآیند عوام‌گرایی ناقص دچار جهل مرکب نموده و از این باب در واقع نادانی در جایگاه دانش و دانستن تکیه می‌زند. بر این اساس تصورات، تصویرها، برداشت‌ها^{۱۳}، نشانه‌ها، سمبل‌ها، نمادها و معانی کنایی و اسطوره‌ها و رژه تصاویر و صورتک‌ها مخاطب را در مسندی می‌نشانند که قرائت موردنظر دست‌اندرکاران رسانه را در ذهن خود بازتولید و رسوب - گذاری نماید. بر این مبنا و بنیان است که فرایند الیناسیون، همذات‌پنداری، جامعه‌پذیری،

شخصیت‌سازی و کاراکترآفرینی، اشاعه سبک و شیوه خاصی از زندگی^{۱۴}، شکل‌گیری قضاوت‌ها و ذهنیت‌ها و نقش بستن انگاره‌ها و تشنت در افکار عمومی محقق می‌گردد. در موضع انفعال قرار دادن مخاطبان و مانع از تصمیم و موضع شدن توسط آنان و باقی‌گذارن آنان در حالت بی‌تصمیمی از دیگر اهداف رسانه‌ها در راستای استمرار هژمونی و استیلایشان است که به رخوت و عدم خودباوری مخاطبان دامن می‌زند و یا مخاطبان را به پیروان و شیفتگانی تمام عیار و چشم و گوش بسته مبدل می‌سازد.

از سوی دیگر، مانوئل کاستلز عقیده دارد فناوری اینترنت را دانشمندان و هکرها آگاهانه به عنوان یک شبکه ارتباطی نامتمرکز طراحی کردند تا بتواند در مقابل کنترل اعمال شده از جانب هرگونه مرکز فرمان مقاومت کند. عمیق‌ترین دگرگونی اجتماعی اینترنت در دهه نخست قرن بیست‌ویکم رخ داد. این دگرگونی عبارت بود از گذار از تعامل فردی و شرکتی در اینترنت (به عنوان مثال استفاده از ایمیل) به ساخت مستقلانه شبکه‌های اجتماعی که کاربران آنها را کنترل و هدایت می‌کنند. بنابراین، این روزها مهمترین فعالیت در اینترنت از طریق سایت‌های شبکه‌بندی اجتماعی (یا SNSها) انجام می‌گیرد. سایت‌های شبکه‌بندی اجتماعی فضای زنده‌ای هستند که همه جنبه‌های زندگی انسان‌ها را به هم متصل می‌کنند. این روندی مهم برای کل جامعه است. این سایت‌ها با ایجاد فرهنگ اشتراک‌گذاری، فرهنگ را دگرگون می‌کنند. کاربران سایت‌های شبکه‌بندی اجتماعی از زمان و فضا پیشی می‌گیرند، اما تولید محتوا می‌کنند، پیوندهایی برقرار می‌کنند و روندها را متصل می‌کنند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۹۷-۱۹۵).

سایت شبکه‌بندی اجتماعی یک جامعه شبکه‌ای خود - ساخته مبتنی بر اتصال همیشگی است، اما یک جامعه مجازی محض نیست. اتصالاتی تنگاتنگ بین شبکه‌های مجازی و شبکه‌های درون زندگی وجود دارد. جهان واقعی در زمان ما نه جهانی مجازی و نه جهانی جداسازی شده که تعامل آنلاین را از آفلاین تفکیک می‌کند، بلکه، جهانی دورگه (به تعبیر کاستلز جهان دورگه مجازیت واقعی) است. در این جهان است که جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده در گذاری طبیعی برای بسیاری از افراد زاده می‌شوند، گذار از اشتراک‌گذاری معاشرت‌پذیری^{۱۵} به

14. Life Style

15. Sociability

اشتراک‌گذاری خشم، امید و منازعه (همان).
 به‌زعم کاستلز در زمان ما، شبکه‌های دیجیتال و چندوجهی ارتباط افقی، سریع‌ترین، مستقل‌ترین، تعاملی‌ترین، قابل برنامه‌ریزی و خود گسترده‌ترین ابزارهای ارتباطی طول تاریخ هستند (همان، ۲۳).
 از بعد دیگر به تعبیر کلاوس دادز^{۱۶} موتورهای جستجوی قوی مانند گوگل^{۱۷} به کاربران اجازه می‌دهند تا ظرف دو ثانیه به تصاویر و داستان‌های مختلفی با پیامدهای مثبت و منفی دسترسی پیدا کنند و آنها را ذخیره نمایند. این پیامدها متنوع بوده‌اند: از ترس انتشار مطالب مجرمانه و فتنه برانگیز در اینترنت گرفته تا مردمی که به شکلی مجازی به گروهها و جوامع جدید و شبکه‌های مجازی دسترسی پیدا می‌کنند. این مساله به وضوح گسترش انواع فعالیت‌ها از جمله فعالیت شبکه‌های تروریستی جهانی و گروه‌های نئونازی را در پی داشته است. القاعده به‌منظور جذب سریعتر حمایت‌های مالی، ارسال پیام‌های رمزدار به اعضایش، پخش سخنرانی‌های رهبرانش به صورت قطعات ویدئویی و گسترش فعالیت‌هایش در سراسر جهان، از اینترنت استفاده کرده است (دادز، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

بر این اساس به گفته دادز اینترنت ابزار مهمی برای جنبش ضد جهانی شدن می‌باشد که با آن می‌توان قدرت مادی غرب و لیبرال دموکراسی را به چالش گرفت و بر این مبنا بازنمایی‌های بصری و نوشتاری ساختار حاکم را مورد اعتراض قرار داد. بر این مبنا پدیده‌های بسیج الکترونیکی و اعتراض الکترونیکی^{۱۸} موجودیت می‌یابند (همان: ۱۷۱ و ۱۷۲). این امر دلالت بر نقش رسانه‌های دیجیتال در تحریک عواطف و احساسات و تقویت خودآگاهی و هویت‌یابی و تعیین مرزهای ما و دیگری دارد که به تعبیر کاستلز لحظه و آنی است که توده به این احساس جمعی و درک می‌رسد که: «ما همه با هم هستیم».
 به بیانی دیگر در سطوح فوق کارکرد دوگانه رسانه‌ها به مثابه شمشیری دولبه برای تحقق منافع حکومت‌ها و شهروندان و ایجاد استیلا و سیطره و یا بالعکس را می‌توان مشاهده نمود.

16. Klaus Dadds

17. Google

18. E-mobilization and E-protest

بازنمایی رسانه‌ای تروریسم (تروریسم رسانه‌ای) در عصر کنونی

در این مدخل به بررسی نسبت تروریسم و رسانه پرداخته و در این قالب انعکاس و بازتاب تروریسم و ریشه‌های آن در رسانه و در کل کارکرد رسانه‌ای تروریسم مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

تروریسم شامل اقدامات صورت گرفته به روشی غافلگیرانه برای جلب توجه عمومی و ایجاد محیط رعب و وحشت می‌باشد که پیامد آن بیش از آسیب رساندن به قربانیان واقعی است. در واقع، هویت قربانیان گاهی برای افراد تروریست اهمیت چندانی ندارد یا اصلاً برای آنها مهم نیست، زیرا هدف اقدام خشونت‌آمیز آنها افراد تماشاگر است. این تمایز بین قربانیان واقعی و تماشاگران هدف، نشانه تروریسم محسوب می‌شود و آن را از سایر انواع درگیری‌های مسلحانه متمایز می‌کند (نظری، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

از منظر سنخ‌شناسی خشونت یکی از سنخ‌های آن، خشونت به عنوان فقدان احساس و بی‌رحمی است. نمونه بارز و بسیار وحشتناک چنین رویکردی، نازیسم می‌باشد، هانا آرنت در کتاب بحث‌انگیز خود با عنوان «آی‌شمن در اورشلیم»^{۱۹}، ایده «ابتدال شرارت» را مطرح کرد. به‌زعم او با ملاحظه مورد آی‌شمن می‌توان دریافت که خشونت افراطی نازی‌ها نتیجه یا نمود فرهنگ اطاعت و سرسپردگی^{۲۰} بود. آی‌شمن چنان که بارها در جریان محاکمه گفت فقط وظیفه‌اش را انجام می‌داد. آرنت می‌گفت او احمق نبود، بلکه غافل بود و همین ناآگاهی او را به یکی از مجرمان بزرگ زمان خود تبدیل کرد. این ایده‌ای است که چندی پیش «اتین دولا بوتی»^{۲۱} در کتاب گفتاری درباره بندگی خودخواسته مطرح کرد و بیان داشت که اعدام‌کنندگان دسته‌ای از بوروکرات‌ها هستند که اگر دستوری از مافوق داشته باشند حاضرند حتی پدر خود را هم به کام مرگ بفرستند و همچنین در آزمایش مشهور استانلی میلگرام^{۲۲} مطرح شد. یافته‌های او نشان می‌داد، در شرایطی که باید از اقتدار مشروع اطاعت کنیم، کارگزاران ممکن است به‌راحتی مرتکب بدترین اشکال خشونت شوند، بدون آنکه کمترین میزان خرسندی از علایق تهاجمی^{۲۳}،

19. Eichmann in Jerusalem

20. culture of obedience

21. Etienne de la Boetie

22. Stanley Milgram

23. aggressive impulse

دگرآزارانه و بیرحمانه داشته باشند (همان، ۲۱۱).

البته تشکیک‌هایی نسبت به تز ابتدال شرارت صورت گرفته است، به این دلیل که اسناد بی‌شماری نشان می‌دهد که اگر در رابطه با جلادان دگرآزاری و بی‌رحمی هم در کار نباشد، حداقل میزانی از تنفر وجود داشته است. ویژگی اصلی این تز ابتدال شرارت این است که پذیرش آن موجب تبرئه عاملان از هرگونه مسئولیت اخلاقی برای اقداماتشان است (همان، ۲۱۲). در این راستا شاهد گزارش‌های خبری زیادی در رسانه‌ها مبنی بر افشای هویت جلادان IS که در کلیپ‌های اعدام گروگان‌ها و مجرمین به‌زعم این جریان مشاهده می‌شوند هستیم. سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای غربی و رسانه‌های غربی با افشای جزئیات زندگی ایشان و گفتگو با خانواده‌های ایشان به روند دگردیسی و استحاله شخصیتی و تغییر در باورها و گرایش‌های عقیدتی و اندیشه‌های ایشان اشاره می‌کنند. یکی از این نمونه‌ها به فردی با عنوان جان جهادی اختصاص دارد که به زعم دوستان و خانواده فردی آرام و مهربان بوده است و تبدیل شدن او به یک جلاد برای بسیاری از نزدیکان وی امری غیرقابل باور بوده است. اینجاست که از سویی، ریشه‌های این امر به‌زعم برخی صاحب‌نظران در شخصیت افراد نهفته است و از سوی دیگر، به باور برخی دیگر ریشه در ساختار و بافت عقیدتی دارد که فرد در چارچوب آن قرار گرفته است.

به‌زعم صاحب‌نظران انفجار بزرگ یک جنبش اجتماعی با تغییر شکل از هیجان به کنش آغاز می‌شود. بر اساس نظریه هوش هیجانی^{۲۴}، احساساتی که بیش از همه به بسیج اجتماعی و رفتار سیاسی مرتبط می‌شوند عبارتند از ترس (که یک احساس منفی است) و اشتیاق (که احساسی مثبت است). احساسات مثبت و منفی مربوط به دو نظام انگیزش بنیادین هستند که از تکامل انسان منتج می‌شوند: گرایش^{۲۵} و پرهیز^{۲۶} (کاستلز، همان: ۲۱).

کاستلز در ادامه در تبیین این فرایند استرس را برانگیزاننده ترس و هراس می‌پندارد که در نهایت، منجر به تأثیری مخرب بر کنش فردی و جمعی می‌گردد و از این بابت فرد و گروه تلاش می‌کنند تا با عصبانیت بر اضطراب غلبه نمایند (همان: ۲۲).

جلوه عینی این مساله را در واکنش به روند جهانی شدن و هراس از لیبرال دموکراسی و

24. affective intelligence

25. approach

26. avoidance

جلوه‌های مدرنیته بالاخص در وجه فرهنگی آن در قالب جریان‌های سلفی و تکفیری در جهان اسلام می‌توان شناسایی نمود. این جریانات که اشتیاق و دغدغه بازگشت به عصر طلایی اسلام را دارند و این نوستالژی و ترومای ناشی از فقدان این پیشینه درخشان و احساس استیلا و هژمونی و سیطره غرب که همان صلیبیون هستند، ایشان را به تقابل و واکنش احساسی وامی‌دارد تا با قرائت و تفسیر شاذ و افراطی از احکام اسلام راه جهاد را برای بازآفرینی شکوه آن دوران و تضعیف مدرنیته و در نهایت، تخلیه هیجان و رسیدن به نوعی سرخوشی روانی یا ژوئیسانس در پیش گیرند.

در رابطه با تحلیل‌هایی که بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر صورت گرفته بود اسلاوی ژیرک^{۲۷} نیز نظرات خود در مورد بنیادگرایی و نسبت آن با مدرنیته را صورت‌بندی نموده است. به‌زعم وی بنیادگرایی نه در تقابل با لیبرال دموکراسی که مازاد آن است. جهانی شدن سرمایه‌داری لیبرال (جهان اول) که به استثمار و حاشیه‌نشینی کشورهای جهان سوم منجر شده است، جنبش‌های ضدجهانی شدن را به‌عنوان مازاد آن برانگیخته، و بنیادگرایی یکی از پیامدهای این جنبش‌هاست (کوثری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۶: ۶۳).

وی در این راستا از زاویه‌ای دیگر به مسائل نگریده پروژۀ آمریکایی شدن جهان را در نسبت و پیوند با پروژۀ دشمن‌سازی برای لیبرال دموکراسی و آمریکا تلقی می‌نماید. به‌زعم ژیرک، طالبانیزم و القاعده‌گرایی و اسلام بنیادگرا نیز ما را به صورتی جدیدتر و از نوع دیگر دست انداخته‌اند؛ با ستیز علیه نیازهای فرهنگی تمدنی، ارایه طرح‌های عصر حجری، بدنام کردن معنویت و تقدس، جلادی و سلاخی تروریستی، جهادگرایی خداسستیزانه و بنده‌کشی و هزاران سیاست فرهنگی مقدس‌مآبانه دیگر که حتی جدی‌ترین دشمنان اصیل، فهیم و روشن فکر آمریکایی شدن نیز از آن برائت می‌جویند (همان: ۶۵).

در واقع رفتارهای واکنشی و غریزی این گروه‌ها منتج از ضایعات روانی (تروما) است که از خشونت ساختاری برخاسته از روند جهانی‌سازی و حاشیه‌ای شدن بخش اعظمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه اسلامی به‌وجود آمده است و در پی افزایش و توسعه ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی و مواجهه و مقایسه وضعیت مردمان سایر کشورها احساس محرومیت

نسبی و القای نوعی احساس سرکوب انرژی حیاتی جمعیت جوان نوعی روحیه افراطی و خشونت‌گرا در این جمعیت کثیر جوان را پدیدار می‌سازد. بخشی اعظمی از پیدایی جریان بهار عربی را می‌توان با این تحلیل مرتبط دانست همان‌گونه که وقوع بهار عربی در مصر و دیگر کشورهای عربی از سوی صاحب‌نظران به «انقلاب فیس بوکی» نام‌بردار شده است. در این راستا بسیاری از گروه‌های افراطی قشری‌نگر نیز سوار بر موج مطالبات مردمی در پی رسیدن به اهداف نهفته در دکترین‌های افراطی و شعارهای خود بر آمدند.

ژنرک بر آن است که «جنگ علیه ترور» برای پایان تهدید نیست، بلکه، دقیقاً برای تداوم آن است. به همین دلیل امریکا در لباس پلیس جهانی دقیقاً در حال گذار از منطق «نابودی تضمین شده متقابل» به منطق «یک مرد دیوانه تنها» است. وی در همین راستا بیان می‌کند انتخاب بین بوش و بن لادن انتخاب ما نیست، هر دوی آنها علیه ما هستند. ما با دو روی یک سکه و «جنگ بنیادگرایی‌ها» مواجه هستیم (همان: ۸۱-۸۲).

در مقاله‌ای با عنوان «رسانه و قدرت: سیمای سینمایی خاورمیانه» نیز نویسندگان به این امر اشاره دارند که فیلم‌های سینمایی با در اختیار داشتن رمزگان‌های نشانه‌ای (نمایه‌ای، شمایی و نمادین) به امکانات موجود برای توجه به دیدگاه‌های متداول جهان سیاست اضافه شده‌اند که کانال‌های اطلاعاتی مردم را بیش از پیش در قالب‌های استاندارد شده‌ای در آورده‌اند. این فیلم‌ها و نظایر آن به بازسازی دوباره ژئوپلیتیک پس از حادثه یازدهم سپتامبر پرداخته‌اند (حسینی و افضلی و ..، ۱۳۹۲: ۲۲۷ و ۲۲۸).

در ادامه در بررسی نسبت سینما و خاورمیانه به این مسئله اشاره شده که سینما آمیخته به روابط و مناسبات قدرت است و در قالب این مدیوم بازنمایی واقعیت تحقق می‌یابد. در این راستا به دیدگاه ادوارد سعید اشاره می‌شود که در کتاب خود «اسلام و رسانه‌ها» به این موضوع پرداخته است که «چگونه کارشناسان و رسانه‌ها تعیین می‌کنند که ما نسبت به بقیه جهان باید چه تفکری داشته باشیم». در واقع این دیدگاه سعید ادامه تفکرات افرادی چون فوکو در مورد نقش مهم تعریف «دیگری» در تعریف «خود» می‌باشد که در روایت غربیان از شرق و پدیده شرق‌شناسی (که در آن خود شرقی‌ها صدایی ندارند) به تعبیر ادوارد سعید متجلی شده است (همان: ۲۳۶ و ۲۴۸).

از افراد دیگری که در زمره نئومارکسیست‌ها قرار دارد و با نگاهی انتقادی به روند جهانی‌سازی و همچنین کارکرد رسانه در عصر حاضر می‌پردازد اسلاوی ژنرک می‌باشد، که در قالب و ذیل

مبحث امریکایی شدن رسانه‌ای و زیست جهان ما اذعان دارد رسانه‌های جمعی مجازی (ایترنت) و غیرمجازی (به ویژه سینما و تلویزیون) همگی به‌نوعی به سلطه امر ظاهری بر امر واقعی کمک کرده‌اند. این رسانه‌ها به گفته دوبور نوعی جامعه نمایش را پدید آورده‌اند که از امر واقعی کاملاً دور است. چند مورد از نقدهای ژیتک در این راستا در ادامه ذکر می‌شود.

به تعبیر ژیتک واقعیت مجازی (نظم نمادین) عرضه «محصولات تهی از جوهر» را عمومیت می‌بخشد؛ واقعیت مجازی خود واقعیت را تهی از جوهر واقعیت، تهی از هسته سخت مقاوم امر واقعی، در اختیار ما می‌گذارد. در ادامه ژیتک اذعان دارد واقعیت مجازی به‌عنوان واقعیت تجربه می‌شود، بدون اینکه واقعیت باشد؛ آنچه در پایان مجازی‌سازی رخ می‌دهد این است که ما تجربه خود «واقعیت واقعی» به منزله یک موجودیت مجازی را شروع می‌کنیم. از این‌رو، تنها راه رخنه در این امر واقعی از طریق مجازهاست. به‌زعم ژیتک مجازی‌سازی رسانه‌ای واقعیت به سلطه جهان نمایش یا جهان جعلی منجر می‌شود. پدیده‌ای که به خوبی در فیلم‌های هالیوودی نظیر ترومن شو (۱۹۸۹) دیده می‌شود. بنابراین، اشتیاق شدید جهان مدرنیستی برای دستیابی به امر واقعی به گفته بودریار به دسترسی به‌نوعی واقعیت تشدیدشده (واقعی‌تر از واقعی) منجر شده است. اما، دقیقاً همین واقعی‌تر از واقعی بودن، نشان‌دهنده «غیرواقعی بودن»، «عاری از جوهر بودن» و «تهی از ماندایی مادی» این جهان است. در واقع، ما با واقعیتی «واقعیت‌زدایی شده» مواجه‌ایم. از این‌رو هالیوود به منزله «دستگاه ایدئولوژیک دولت» در امریکا عمل می‌کند. زیرا هالیوود در تعیین آنچه باید «به‌عنوان واقعیت تجربه شود» سهمی بسزا دارد (کوثری و نجاتی‌حسینی، همان: ۷۸ و ۸۰).

آنچه را که ژیتک در مورد هالیوود بیان می‌کند می‌توان به رسانه‌های مجازی و غیرمجازی غرب و امریکا از جمله CNN، BBC، فاکس نیوز، VOA، و ... تسری و تعمیم بخشید.

در راستا و تأیید آنچه ژیتک تبیین و ترسیم ساخته ژان بودریار با طرح مفهوم «ابر واقعی»^{۲۸} بر آن است که در این شرایط، امر غیرواقع بیشتر از خود واقعیت، واقعی است. یعنی واقعیتی که به شکل مصنوعی تولید شده (مانند فیلم، گزارش‌های خبری، عکس، دیسکلند و ...) واقعی‌تر از واقعی است. مدل‌ها در آن جایگزین واقعیت می‌شوند، شبیه‌سازی‌ها از نهادهای واقعی، واقعی‌تر

می‌گردند و مرز میان اطلاعات و سرگرمی، سیاست و سرگرمی، جنگ و سرگرمی، (به‌ویژه در برنامه‌های تلویزیونی) درهم می‌ریزد (مشیرزاده، ۱۳۸۷: ۲۶۵).

به‌زعم دردریان جنگ دیجیتال، شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای است که در آن، ابزار ما رایانه و صفحه کلید است؛ به‌عبارت دیگر، ما بین فضای مجازی و واقعی قرار می‌گیریم؛ برای نمونه، مطالعه «سیاست نمادین» مثل استفاده از خشونت نمادین (برای دست‌کاری گفتمان سیاسی و افکار عمومی) به‌طور فزاینده‌ای به مطالعه امنیت در عصر دیجیتال مربوط است (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۶۹). بر این اساس در رویکردی تقابلی جویانه به باور نوسلفی‌های تکفیری برای تضعیف لیبرال دموکراسی می‌توان از حربه‌ها و ابزارهای صلیبیون بر ضد خودشان بهره گرفت و یکی از این ابزارها مدیوم رسانه و کارکردهای آن در وجه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است.

در این راستا کلاوس دادز اذعان دارد که قدرت ژئوپلیتیکی رسانه‌ها تنها در سخن پراکنی نیست، بلکه در شیوه‌ای است که آن وقایع، مردم و مکان‌ها را قالب‌بندی می‌کنند. واژه قالب‌بندی^{۲۹} در مطالعات رسانه‌ای به روشی اشاره دارد که در آن یک روایت برای بینندگان یا شنوندگان توضیح داده می‌شود. به‌زعم وی تصاویر نسبت به وقایع، زندگی طولانی‌تری دارند و در این مورد به ضرب‌المثل کوتاه: «جنگ اغلب دوبار صورت می‌گیرد یک بار در صحنه جنگ و بار دوم در فیلم» اشاره می‌کند (دادز، همان: ۱۵۴ و ۱۵۵).

در این رابطه به واقعه آتش‌زدن خلبان اردنی معاذالکساسبه خلبان اردنی اسیر شده به دست IS می‌توان اشاره نمود که چندین بار فیلمبرداری شده و گروگان و اسیر محکوم به اعدام در صحنه مجازات در قامت یک آکتور ظاهر می‌گردد و در آکسسوار و دکوپاژ این شوی تبلیغی با طعم تلخ مرگ فجیع نقش محوری ایفا می‌نماید. کلیپ تصویری این واقعه در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های تصویری و خبری انعکاس بی‌سابقه‌ای داشت. به اذعان هکرهایی که به اطلاعات و تصاویر و فیلم‌های ذخیره شده در رایانه‌های اعضای اصلی IS دست‌یافته‌اند روند تولید این کلیپ و فیلم حاکی از تمهیدات فنی و تکنیکی بسیار حرفه‌ای در حد استودیوهای فیلم‌سازی هالیوود بوده است که با یاری و مشارکت تیم کارگردانی حرفه‌ای و جلوه‌های بصری و فنی ویژه برای تاثیرگذاری گسترده بر مخاطبان تهیه و تکثیر شده است. در مقابل این اقدام، دولت اردن نیز کلیپها

و نم‌آهنگ‌هایی را برای تقویت روحیه اعضای ارتش و خلبانان خود در راستای جنگ روانی با IS تهیه و تولید نموده است. البته برخی اعضای جدا شده داعش اذعان کرده‌اند که خلبان اردنی هم‌چنان زنده است و داعش برای امور نظامی و آموزش نیروها از وی استفاده می‌کند که این اظهار نظرها دال بر پیچیدگی حربه‌های جنگ روانی و تکنیک‌های رسانه‌ای این گروه است.

در این راستا در آوریل ۲۰۱۵ خبری در رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی بازتاب یافت مبنی بر اینکه یک هواپیمای آمریکایی ۶۰ هزار نسخه از کاریکاتور «چرخ گوشت» را در آسمان شهر رقه پایتخت داعش رها نموده است. به اذعان منابع خبری، شهر رقه در شمال سوریه محل استقرار ابوبکر بغدادی خلیفه گروه «دولت خلافت اسلامی» است. در این کاریکاتور یک ماشین بزرگ چرخ گوشت به تصویر درآمده است که انسان‌ها را چرخ می‌کند و تعدادی از افراد نیز در صف قرار دارند. وزارت دفاع آمریکا اعلام نموده پخش این اطلاعیه تبلیغاتی در شهر رقه در راستای جنگ روانی علیه داعش صورت گرفته و واحد ویژه جنگ روانی این کاریکاتور درباره داعش را تهیه کرده است.

در این کاریکاتور شماری از جوانان در مقابل دفتر استخدام داعش به صف ایستاده‌اند. یکی از اعضای داعش نیز این جوانان را یکی از پس از دیگری به درون ماشین بزرگ چرخ گوشت که بر روی آن نوشته شده «داعش» می‌اندازد. ارتش آمریکا گفته است با این اقدام تلاش می‌کند با تبلیغات داعش از طریق شبکه‌های اجتماعی برای جذب اعضای جدید مقابله کند. گفتنی است در این گروه تروریستی، استفاده از کلمه «داعش» جرم است و استفاده‌کنندگان از این کلمه مجازات می‌شوند.

در واقع اتفاقات اشاره شده در سطور فوق دیالوگ یکی از شخصیت‌های فیلم «سگ را بجنان»^{۳۰} محصول سال ۱۹۹۷ خطاب به هم‌زمانش را تداعی می‌کند: «جنگ یک نوع نمایش و هنرپیشگی است». از این رو، به اهمیت جذابیت رسانه‌ای بصری در شکل‌دهی افکار عمومی و نظامی برای رهبران و خودآگاهی نسبت به مقوله هویت^{۳۱} می‌توان پی برد (همان: ۱۵۶-۱۵۸). در واقع نقش تبلیغات و اثرگذاری رسانه‌ها بر مخاطبین و افکار عمومی از دیرباز در جوامع انسانی و نبردها بازشناسی شده

30. Wag the Dog

31. Self identity

بوده و برهه‌ای که این امر به شکلی گسترده در جبهه‌های مجزا و موازی با عرصه فیزیکی نبرد نمایان شده بود دوره جنگ جهانی دوم است که در این راستا به نقش گوبلز و زیر تبلیغات نازی‌ها می‌توان اشاره نمود. هم اکنون در مورد عملیات‌های روانی و نبرد اطلاعاتی در پشت جبهه‌های جنگ فیلم‌ها و رمان‌های بسیاری خلق شده است که حاکی از اهمیت این مقوله می‌باشد.

به‌زعم صاحب‌نظران در عصر کنونی تکنولوژی اطلاعات و مالک یا تولیدکننده آن مترادف با لویاتان هابز می‌باشد. از نظر ایشان دنیای امروز دنیای غلبه تصاویر است و هر که توان تولید و توزیع تصویر بیشتر را داشته باشد می‌تواند آنچه را در ذهن دارد به انجام رساند. سرعت این تصاویر و تکثیر و تنوع آن به حدی است که به اعتقاد بوردیو یا توان اندیشیدن را از ما می‌گیرد و ما را محدود به همان اطلاعات رسانه‌ای می‌کند و یا با اندیشه «فست فودی» کنار می‌آییم و به آن اکتفا می‌کنیم (بوردیو، ۱۳۸۷). در این راستا شبکه‌ها و مجاری ارتباطات بین‌المللی می‌تواند له یا علیه هر سیاست اجتماعی به‌سادگی بسیج شود و از آن به‌عنوان یک سلاح برنده و پیش‌برنده برای تامین منافع عده‌ای استفاده شود.

بر این مبنا کاستلز پیوند فضای سایبر و فضای جغرافیایی را موجب ایجاد فضای سومی می‌داند که وی بدان نام «فضای خودمختاری» را اطلاق می‌نماید (کاستلز، همان: ۱۸۷).

بر این مبنا قدرت مضاعف و همگرا که در واقع همان ترکیب شدن قدرت فیزیکی با قدرت مجازی و انباشت تمام توان‌های پراکنده در محیط قدرت آن است سبب تحقق و تجلی قدرت مجازی جهانی می‌گردد. در این چارچوب قدرت برابر با توانایی نفوذ در دیگران و کپی شدن نگاه و نگرش افراد در میان اشخاص است و جهان مجازی در واقع جهان تکثیر است. در راستای تحقق منطبق قدرت که همان منطق تکثیر است برخی دولت‌ها، گروه‌ها و جریان‌ها کوشیده‌اند نوعی قدرت و امپراتوری مجازی را پی‌ریزی نمایند (عاملی، ۱۳۸۹: ۱۰۴ و ۱۰۵).

تعبیر کاستلز در مورد جنبش‌ها و رابطه مردم، اینترنت و فضاهای شهری در کتاب «شبکه‌های خشم و امید (جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت)» را می‌توان به‌نوعی به گروه‌های شبه نظامی نیز تعمیم داد. از این‌رو، شبکه‌های افقی چندوجهی موجود در اینترنت و فضای ژئوپلیتیکی، با هم بودن را ایجاد می‌کنند، این یک مسئله کلیدی است، زیرا این گروه‌ها و اعضایشان از طریق با هم بودن بر ترس غلبه و امید را کشف می‌کنند. در واقع با هم بودن نقطه آغاز و منبع قدرت‌یابی است: «funtas podemos» (با هم می‌توانیم) (کاستلز، پیشین).

بازنمایی تروریسم رسانه‌ای داعش در فضای مجازی

پیش از پرداختن به ابعاد تروریسم رسانه‌ای IS لازم می‌باشد به بازنمایی برخی از وجوه منظومه گفتمانی جریان تکفیری تروریستی IS اهتمام گردد. روند صورتبندی گفتمانی و گفتمان‌سازی این جریان پیشینه‌ای به قدمت تاریخ ظهور جریان‌های فکری عقیدتی در جهان اسلام دارد. این جریان‌ها و اندیشه‌ها بارها در تاریخ اندیشه اسلامی در بسترها و قالب‌های متعدد ظهور و بروز یافته‌اند و در واقع یک تحول و جابجایی و گسست و از جاشدگی گفتمانی از نوع «از» گفتمانی را نسبت به گفتمان‌های اصیل و میانه رو بازتاب داده‌اند. با ظهور جریان وهابیت در عربستان و بازتولید اندیشه‌های ابن تیمیه و دیگر آباء تفکرات سلفی و تکفیری در قامت این جریان و امتداد و استمرار و تقویت این تفکرات در دهه‌های واپسین قرن بیستم شاهد بازسازی این تفکرات و ترکیب وجوه مختلف گفتمان افراطی سلفی تکفیری با اندیشه‌های افرادی چون سید قطب و درگیر شدن این جریان‌ها در تحولات منطقه‌ای و جهانی تحت زعامت افرادی چون بن‌لادن و ایمن الظواهری، نوعی تحول گفتمانی از نوع «در» گفتمانی را شاهد می‌باشیم. با تشکیل شاخه عراق القاعده و در بستر تحولات منطقه خاورمیانه شاهد خیزش جریان نو سلفی IS هستیم که نسبت به موسسان و پایه‌گذاران خود رویکردهای متفاوتی از لحاظ دیدگاه‌های عمل‌گرایانه و نظرگاه‌های ژئوپلیتیک و تعریف زمین و قاعده بازی در پیش گرفته و از این‌رو، نوعی تحول درون گفتمانی را در چارچوب جریان‌های تکفیری و سلفی بازتاب می‌دهد.

در واقع دال مرکزی و دال‌های اصلی منظومه گفتمانی خرده گفتمان IS تفاوتی با جریان اصلی و ابرگفتمان سلفی‌گرایی افراطی ندارد و تنها تاکتیک‌ها و روش نیل به اهداف و مصادیق تغییر نموده است، هر چند شاهد برخی رویکردهای افراطی‌تر مانند تکفیر سنیان و حتی جریان‌های تکفیری دیگر که مخالف اقدامات IS هستند می‌باشیم. دال اصلی منظومه گفتمانی این جریان همان بازسازی عصر طلایی اسلام و بازگشت به سلف صالح می‌باشد. دال‌هایی چون جهاد، تکفیر رافضیان، پرهیز از تاویل و نوآوری در شریعت، احیای خلافت و برپایی و تشکیل دولت اسلامی و... نیز در منظومه گفتمانی این جریان تثبیت و مفصل‌بندی شده است. این جریان سعی نموده با جذب دال‌های شناور و صورت مدلول دادن به آنها و وارد نمودن دال‌ها از حوزه گفتمان گونگی و تثبیت آنها در حوزه گفتمان‌گونگی و در واقع با وانمود کردن به پاسخگویی به

مقتضیات زمانه و مصادیق نیازها و معضلاتی که در جوامع اسلامی و حتی غربی وجود دارد، خود را دسترس‌پذیر و حل‌کننده معضلات جلوه دهد و از این مجرا با جذاب نمودن گفتمان خود این گفتمان را در موقعیت هژمونیک و برتر قرار دهد و به شالوده‌شکنی بنیان گفتمان‌های رقیب و ایجاد گره‌های معنایی و تکوین نقاط درگیری معنایی در چارچوب تنازعات گفتمانی با دیگر پادگفتمان‌ها پردازد. از این رو، با استفاده از مدیوم رسانه و عطف توجه به کارکردهای آن در فضای مجازی و شبکه‌های مجازی از تمامی حربه‌ها و سازوکارها برای جذب هوادار و عضو و مشروعیت بخشی به خود و تحریک عواطف و احساسات و وعده دادن آینده روشن به افراد و معنابخشی به زیست - جهان ایشان استفاده می‌نماید. این جریان با ارائه تفاسیر خاص خود بر تفکیک و تمایز «ما» و «دیگری» و غیریت‌سازی به نحو افراطی پافشاری دارد و با ابزار و حربه تکفیر و همچنین سیاست تنبیه و تشویق و استفاده از تاکتیک‌های عملیات روانی در قلمروها و محدوده‌های سرزمینی در حال نبرد، تحریک هواداران و مرعوب‌سازی مخالفان و تکوین پروژه سیاسی خود را در پیش گرفته است.

تکوین منظومه گفتمان رسانه‌ای IS را بر همین بنیان می‌توان ترسیم نمود و متصور شد. المان‌هایی همچون جذاب‌سازی صنعت جهاد، نیل به سعادت و بهره‌مندی از مواهب این دنیایی و آن دنیایی، آرمان تاسیس امپراطوری اسلامی تحت لوای خلافت اسلامی، مساله ثواب داشتن کشتن رافضیان و کافران به‌زعم این جریان و تحریک و تشویق این دست اقدامات توسط پروپاگاندا رسانه‌ای این جریان و تبلیغ دست‌یابی به غنائیم و منابع مالی حاصل از جزیه‌ها از مجرای جهاد و ... همه عناصر و مولفه‌هایی است که در روایت و خوانش تروریسم رسانه‌ای IS درک می‌شود که بازنمایی آن از طریق انعکاس تضادها و تناقضات گفتمانی و شالوده‌شکنی این منظومه صورت‌بندی شده گفتمانی، در چارچوب پروژه سیاسی و پروژه رسانه‌ای در بطن آن امکان‌پذیر می‌باشد.

به تعبیر صاحب‌نظران ذات پوچ‌گرایانه IS پروژه‌ای افراطی همراه با دگرگونی‌های جمعیتی، اجتماعی و سیاسی را بازتاب می‌دهد. برخلاف AQ و عمده سازمان‌های دیگر تروریستی، ISIS با ادعای قرار گرفتن در قامت یک دولت، محدوده‌ای ارضی را کنترل می‌کند و در

جستجوی به انحصار درآوردن خشونت "مشروع" درون این محدوده است. در حالیکه خشونت افراطی^{۳۲} عنصری ضروری از این پروسه شکل‌گیری و تکوین دولت است، تلقین روانی^{۳۳} جزء اساسی دیگری از طرح اقتدارگرایانه این تشکیلات است. IS خود را به‌عنوان تجلی "تاب" اسلام تصور و ترسیم نموده است، کلیتی که دولت پیامبر را احیاء نموده است و در این راستا به پیکار برخاسته و به افراد و تابعینش پیروی از این دیدگاه را دیکته کرده است. تلقین روانی واجد دو شکل می‌باشد: بازگشت جامعه به سلف [صالح] و فراخواندن مسلمین سنی مذهب به مهاجرت به سرزمین خلیفه. بر این اساس است که شعار این گروه «بقاء و گسترش»^{۳۴} به هدف کنونی‌اش که تقویت‌کننده قدرتش در متصرفاتش و استفاده از آنها به‌عنوان بنیان‌هایی برای هجوم و به تصرف درآوردن سرزمین‌ها می‌باشد بازمی‌گردد و اشاره دارد. بنابراین به تعبیر متخصصان تحولات خاورمیانه این منازعه هم در وجه آنلاین و برخط^{۳۵} و هم در حالت برون خطی و آفلاین^{۳۶} استمرار خواهد یافت. این نبرد ایده‌هاست به همان اندازه که منازعه‌ای نظامی می‌باشد (Al-Qarawee, 2015: 164-165).

IS نیز در این راستا از وسایل ارتباط جمعی نوین که به سهولت و ارزانی زمینه گسترده‌ای را برای ارسال پیام‌های این تشکیلات فراهم آورده است، به‌طرز ماهرانه‌ای استفاده می‌کند. این پیام‌ها در محتوا، زبان و پیچیدگی‌هایشان بنا بر مقوله و دسته‌بندی مردمی که مخاطب و جامعه هدف می‌باشند متفاوت است (Ibid: 147).

در روند گفتمان‌سازی نوسلفی‌گرایی استفاده ماهرانه از رسانه جایگاه مهمی دارد و اشاره به این نکته شایان توجه است که اسلاف رهبران جریان‌های تکفیری نیز به استفاده ماهرانه از رسانه توجه بسیاری نشان می‌دادند. در مقاله‌ای در مورد تاثیرات کارکرد رسانه‌ای خلافت اسلامی به‌عنوان دولتی غیررسمی (دوفاکتو) بر جذب اروپاییان، اشاره شده است که «عبدالله عزام^{۳۷} احتمالاً نخستین کسی است که به اهمیت تبلیغات پی برده است، اما مرید وی اسامه

32. Ultraviolence

33. Indoctrination

34. "remaining and expanding"

35. Online

36. Offline

37. Abdullah Azzam

بن لادن به همان نسبت از این واقعیت که «جنگ رسانه‌ای یکی از سلاح‌های قدرتمند این قرن است: و ممکن است که ما بگوییم نود درصد از برتری در نبرد از این امر نشات می‌گیرد» آگاه بود». در همین راستا ایمن‌الظواهری به تجلیل از مبارزان جهاد رسانه‌ای که در کسوت سربازان مخفی بوده و در این عرصه از دنیا و مواهب آن کناره گرفته‌اند پرداخته است. بر این اساس نگارندگان مقاله مذکور با رصد عرصه میدانی تحولات اذعان دارند تکنیک‌های القاعده در مقابل نوگرایی و برد و تاثیرگذاری شاخه پیشین و رقیب کنونی‌اش «دولت اسلامی» رنگ باخته است (Arnaboldi and Vidino, 2015: 125).

فعالیت‌های جریان نوسلفی IS در شبکه‌های اجتماعی

کری اسچیک^{۳۸} تحلیلگر فارین پالسی در مقاله‌ای با عنوان: «چرا یک خلافت قرون وسطایی بدوی در رسانه‌های اجتماعی بهتر از واشنگتن می‌باشد؟» عقیده دارد دولت اسلامی عراق و شام به نحو خیره‌کننده‌ای در حال حرکت رو به جلوی تاثیرگذاری در نبرد در رسانه‌های اجتماعی است. گروهی که در حال حاضر به دولت اسلامی^{۳۹} موسوم شده است، به نحو مہیبی در حال ارسال پیام برای جلب توجه و تحریک و تشویق برای عملیات‌های نظامی‌اش، در هر دو جایی است که در حال نبرد می‌باشد و همچنین در میان کشورهایی که ممکن است متمایل به دخالت بر ضدش باشند. بعد از دستیابی به موصل، IS ویدئویی از مردانش در حال اعدام نفراتی از سربازان به اسارت درآمده عراقی ارسال نموده بود که بسیار محتمل است که به تحریک نیروهای امنیتی عراق در جهت برگزیدن گزینه ترک پست‌هایشان به طور کامل یاری رساند. IS به طور زنده پیشرفت‌های نظامی‌اش در سراسر عراق را توثیق می‌نماید، که انعکاس‌دهنده شجاعت جنگاورانش و مقاومت اندک نیروهای امنیتی عراقی است. همچنین این گروه در گرماگرم پیشروی‌های نظامی‌اش در خاک عراق، در فضای مجازی تهدیدهایی را در راستای کشتار و بریدن سر شهروندان بریتانیایی در میدان ترافالگار لندن صورت داده بود. همچنین در میانه مسابقات شانزدهمین دوره جام جهانی فوتبال در برزیل، در حالیکه ایالات

38. Kori Schake

39. Islamic State: IS

متحده نیز درگیر این بازی‌ها بود، IS تصویری از یک سر بریده شده با عنوان درج شده بر روی آن که آن را توپ دولت اسلامی نامیده بود، توثیق نمود (Schake, ۰۹/۰۷/۲۰۱۴).

مشاور پیشین امنیت ملی عراق موفق‌الربعی^{۴۰} در مصاحبه با الجزیره اذعان دارد که کم و بیش این توئیتر و فیس‌بوک بود که موجب گشت سی هزار تن از سربازان قوای امنیتی عراقی سلاح‌هایشان را بر زمین بگذارند، و یونیفورم‌هایشان را بر تن نکنند، و موصل را برای رسیدن و دستیابی جهادگرایان رها کنند.

دو هفته پیش از سقوط شهر، ISIS یکی از ویدئوهای عموماً محبوبش تا آن تاریخ را منتشر نموده بود، با عنوان Saleel al-Swarim یا صدای چکاچک شمشیرها^{۴۱} یک مثال نمادین و مشخص از «پورنوگرافی جهادگرایان» که قابلیت بی‌همتای ISIS برای ایجاد وضوح و شفاف‌سازی را در قالب این تبلیغ چند دقیقه‌ای توصیف نموده بود. «صدای چکاچک شمشیرها» همچنین حضور همه جا حاضر و فراگیر تصور شده ISIS و مهارت اسرارآمیزش در دستیابی و به میدان نبرد آوردن دشمنانش را نمایش می‌دهد.

چکاچک شمشیرها در یوتیوب در زمان‌های مختلف ارسال شده است و در سایت‌های اشتراک فایل مانند archive.org و justpaste.it به نحو پرننگی بوسیله اعضا و طرفداران و هواخواهانش (گروه‌ها یا مشتاقان عضو نشده) بر روی توئیتر و فیس‌بوک ارتقاء یافته است. این امر نه فقط نظارت ISIS را در سرتاسر منابع ادغام یافته و جمع گشته به حداکثر رسانده، بلکه به از صحنه خارج‌سازی منتقدان و مخاصمان یاری رسانده است. یک فعال رسانه‌ای در آلیپو^{۴۲} به نگارندگان می‌گوید: «هر کسی باید بداند که ما آن کسانی نیستیم که آنها فکر می‌کنند ما هستیم»، به اذعان وی: «ما یک تنظیم^{۴۳} [به معنای سازمان^{۴۴}] نیستیم، ما یک دولت هستیم». «شنوید درباره ما، بشنوید از ما» جمله‌ایست که به‌طور مکرر در مدت مصاحبه‌های خبرنگاران و نویسندگان با نفرات و جذب‌شدگان IS مطرح می‌گردد (Weiss and Hassan, 2015: 112-113).

در همین راستا داعش برنامه کامپیوتری‌ای را طراحی و تولید کرده است که این امکان را به این

40. Mowaffak al-Rubaie

41. Clanging of the Swarda

42. Aleppo

43. tanzim

44. organization

گروه می‌دهد تا با ارسال مستقیم تبلیغات خود به حساب‌های کاربری طرفداران خود، آنها را در جریان اتفاقات این گروه قرار داده و با برنامه درون‌پرداختی موجود در این برنامه کمک‌های مالی لازم را دریافت کنند. مطالعات اخیر حاکی از آن است که داعش تا به حال موفق شده است پاسخ‌های بسیار مثبتی را از طریق شبکه‌های اجتماعی به دست بیاورد. یکی از این برنامه‌های کامپیوتری The Dawn of Glad Tidings است که با نام اختصاری Dawn شهرت پیدا کرده بود، توانست قبل از جلوگیری از ادامه فعالیت‌اش فقط در گوگل پلی بیش از ۴۰ هزار بار دانلود شده و صدها هزار توئیت را در روزهای اخیر مابین شبکه طرفداران داعش ارسال و دریافت کند.

این گروه در میان گروه‌های تروریستی تا به امروز بیشترین بهره را از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برده است. این گروه تروریستی با در اختیار داشتن تجهیزات پیشرفته الکترونیکی و اینترنت پرسرعت که توسط کشورهای قطر، عربستان و ترکیه در اختیارش قرار گرفته تمامی عملیات‌های خود را فیلمبرداری می‌کند و اخبار مورد نظرش را در شبکه‌های فیس‌بوک و توئیتر منتشر می‌کند. تحلیل‌گران معتقدند استفاده گروه داعش از ابزارهای اینترنتی به گسترش شهرت این گروه و نیروگیری آن کمک شایانی کرده است. داعش تا به امروز در اکثر عملیات‌های خود سعی کرده است الگوی ایجاد ترس قبل از تصرف و نمایش محبت در بعد از تصرف را در ذهن بینندگان القاء کند و نوعی پروپاگاندا تبلیغاتی را به معرض نمایش گذارد (مقامی، ۱۳۹۲: ۹۶).

انجمن‌ها و موسسات اسلامی به‌طور فزاینده‌ای، از فواید و فرصت‌های گسترده در شبکه جهانی اینترنت استفاده می‌کنند. در مطالعه‌ای که دکتر «آلو اینان»^{۴۵} انجام داده است، عنوانی به نام «اسلام به اینترنت آمده» مشاهده می‌کنیم مبنی بر اینکه چگونه اسلام سایبر^{۴۶} و فتوهای آنلاین^{۴۷} بخشی از گفتمان اسلام سیاسی را تشکیل می‌دهد. وی یادآور می‌شود که انجمن‌های محافظه‌کار اسلامی در آلمان و کل اروپا، می‌توانند به‌طور بنیادین، نفوذ خود را از راه اینترنت افزایش دهند؛ برای نمونه شورای مرکزی مسلمانان آلمان^{۴۸} تاسیس مسجدهای مجازی و فناوری دعا را در

45. Aleu Inan

46. cyber islam

47. online fatwas

48. Central Council. F Maslim in Germany (ZMD)

سپهر غیراسلامی بنیاد گذاشته است.

از این رو، در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان، اینترنت محل و کارزار دیالوگ و گفتگوی درون دینی مسلمانان است. این پیوند میان زبان، اینترنت و افکار مسلمانان نوعی خلق و بازنمایی گفتمان اسلام سیاسی به‌شمار می‌آید. در این چارچوب، حتی صحبت از گوگل شیخ^{۴۹} برای پرسش‌ها و پژوهش‌های دینی اسلام به‌میان می‌آید، خطری که به منزله ارتباط میان اسلام سیاسی و جهانی شدن امنیت قلمداد می‌گردد؛ در واقع، تفسیرهای خشک و مضیق از فتوای آنالین و برداشت‌های غلط و گاه اشتباه اعضای جوان این تارنماهای مجازی است که می‌تواند بدون نظارت موسسات محافظه‌کار در خاورمیانه رخ دهد (ابراهیمی، پیشین: ۲۶۳).

به‌زعم کارشناسان تاسیس موسسه فرهنگی الهدایت و همچنین موسسه الفرقان به‌عنوان رسانه داعش گامی برای اشاعه و تعمیم این گونه فعالیت‌ها تلقی می‌گردد.

فکر تشکیل موسسه فرقان، به زمان تشکیل دولت اسلامی عراق، در اواخر سال ۲۰۰۶، به ریاست ابوعمربلغدادی بازمی‌گردد. ابتدا محارب عبداللطیف الجبوری (ابوعبدالله) و پس از وی ناصرالغامدی که تابعیت سعودی دارد عهده‌دار ریاست این موسسه بوده‌اند. غامدی توانایی بالایی در مونتاژ و تولید فیلم و کارهای تبلیغاتی و راه‌اندازی برنامه‌های گوناگون و اجرای نرم افزارهای مختلف برای تولید کلیپ‌های صوتی و تصویری دارد.

برخی از محصولات تبلیغاتی موسسه فرقان عبارت‌اند از: صلیل الصوارم (۴ قسمت)، هدی و بشری للمومنین، تاج الوقار، قوافل الشهداء (۲ قسمت) و فرسان‌الشهاده (۵ قسمت)، حصاد المنهزمین فی بلاد الرافدین، عامان لدوله الاسلام، کتائب کردستان فی دوله العراق الاسلامیه، فرحه المسلمین بقیام دوله الموحدین، و صیادوا الکاسحات و علی منهاج النبوه و

عناصر ناظر بر فعالیت‌های داعش نیز، عمدتاً از سلفی‌های سعودی هستند؛ زیرا زبان و قلم فصیحی دارند و ادبیات خطابه و استدلال‌ها و بهانه تراشی‌های شرعی را در حمایت از ابوبکر البغدادی به خوبی می‌دانند.

احمد ابوسمره هم که اصلیت سوری دارد و در امریکا بزرگ شده است، مسئول بخش شبکه‌های اجتماعی داعش است و وظیفه او جذب شهروندان آمریکایی و اروپایی، از طریق

شبکه‌های اجتماعی، برای ملحق شدن به داعش است (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳: ۵۵ و ۵۶). همچنین صاحب‌نظران در تحقیقات خود به گروه‌های متعلق به جنبش شریعت^{۵۰} که از گروه‌های انگلیسی مانند المهاجرون^{۵۱} و Islam4 UK تشکیل شده اشاره داشته‌اند. Islam4UK عمدتاً به انتشار محتواهای چند رسانه‌ای در شش کانال رسمی یوتیوب و حسابهای کاربری شبکه‌های اجتماعی می‌پردازد. ویژگی عمده مدل ارتباطاتی این مراکز رسانه‌ای از ساختار عمودی به مدل تحتانی - تحتانی انتقال یافته که در این قالب هر آدرس و هر کاربر یک مروج و تولیدکننده محتوا و اسناد می‌باشد.

محققان فوق با رجوع به پیشینه اقدامات رهبر شریعت^۴ انجم چودری^{۵۲} در سالیانی نه چندان دور به دوره‌های دکترین سلفی - جهادی که توسط وی در سال ۲۰۰۸ در پالتاک^{۵۳} - نرم‌افزاری که به کاربران اجازه می‌دهد تا اتاق‌های وب‌کم و چت را بوجود آورند - ایجاد شده است اشاره می‌نمایند. در این رابطه دو تا از کانال‌های شریعت^۴ به نام‌های "مسلمانان بر ضد صلیبیون"^{۵۴} و "جاده منتهی به جنت"^{۵۵} آزادانه توانسته‌اند در دسترس قرار گرفته باشند.

این نویسندگان به مطالعاتی که توسط محققان دانشگاه برنדיس^{۵۶} صورت گرفته و در آن شیوه‌ای که توئیتر بوسیله برخی جهادگرایان غربی در عراق و سوریه مورد استفاده قرار گرفته است بررسی شده است اشاره دارند. در تحقیق ذکر شده با بهره از یک متد تحقیقی جامعه‌شناختی «متد گلوله برفی»، محققان برای کشف و نمایاندن برتری معرفان اسلام‌گرایی به شیوه غربی‌ها، دربرگیرنده مردمی که با شبکه شریعت^۴ ارتباط و پیوند داشته‌اند نوری بر اتصالات داخلی مابین عرصه‌های فعالیت جهادگرایان محلی و اروپایی در شبکه‌های اجتماعی تابانده‌اند (Arnaboldi and Vidino, Op. Cit: 127-129). در نوشتاری که به تروریسم سایبری با تمرکز بر فعالیت‌های IS می‌پردازد و در فضای مجازی منتشر گشته نویسندگان این اثر بارتلت^{۵۷} و کراسدمسکی^{۵۸} با بیان شیوه‌های دورزدن نظارت

-
50. Sharia4
 51. al-Muhajiroun
 52. Anjam Chaudary
 53. Paltalk
 54. Muslims Against Crusaders
 55. The Road to Jannah
 56. Brandeis University
 57. Bartlett
 58. Krasodomski-Jones

دولتها در اینترنت توسط گروه‌های تروریستی و تبهکاران به تاثیر ادوارد اسنودن و فعالیتهای وی پرداخته و نشان می‌دهند که چگونه حامیان و طرفداران دولت اسلامی به باز نشر شیوه‌های استفاده از سیستم‌های عامل و نرم‌افزارهای مورد استفاده برای گذر از سد فیلترینگ در شبکه‌های اجتماعی پرداخته و این امر را با رسالت مقدس این گروه در راه اهداف الهی به‌زعم و پندار خود پیوند می‌زنند. نویسندگان در ادامه با اشاره به دردهای سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی، پیش‌بینی‌هایی در مورد آینده فعالیتهای ترویست‌ها در فضای مجازی نموده و بدیل‌های موجود را بازکاوی می‌کنند.

به‌زعم ایشان ترویست‌های اسلام‌گرای افراطی به‌طور درازمدت از انواع مختلفی از نرم‌افزارهای رمزگذاری در ارتباطاتشان بهره‌برده‌اند. اگر به سال ۲۰۰۷ برگردیم، جبهه رسانه‌ای جهان اسلام القاعده^{۵۹} نرم‌افزار رمزگذاری متعلق به خودش را منتشر نموده بود: «اسرارالمجاهدین». این نخستین نرم‌افزار رمزگشا با هدف اسلامی ساخته شده بود که در وهله نخست برای ارتباطات ایمیل استفاده می‌شد. آن به‌طور معمول به‌روز می‌شد و در مجلات جهادی ترویج می‌شد. اخیراً، القاعده با «کمیتة فنی الفجر» ارتباط یافته که «امن المجاهد» را برای ویندوز منتشر نمود، که ایمیل‌ها، پیام‌های فوری و پیامک‌ها را کدگذاری می‌نماید.

شیوه‌های گریز از نظارت و تشخیص - به نحو بسیار پیش‌بینانه‌ای - اغلب در وب‌سایت‌ها و اتاق‌های گفتگو بوسیله ترویست‌ها و تبهکاران سرسخت و سازماندهی شده از همه نوع مورد بحث قرار می‌گیرند. برای مثال، آندرس بریویک^{۶۰}، ترویست نروژی که هفتادوهفت نفر را در سال ۲۰۱۱ کشتار نمود، یک کتابچه راهنمای کاربر نوشته که مجموعه‌ای از بهترین توصیه‌های کاربردی در مورد استفاده از درگاه Tor و خدمات شبکه خصوصی مجازی است. ترویست‌ها مشتاق و انبوهند و اولین استفاده‌کنندگان و مجریان هر فناوری‌اند که به آنها در اجرای اهدافشان یاری می‌رساند.

اخیراً دغدغه‌ای فراتر از «دولت اسلامی» در راستای خدمات امنیتی برای کارشناسان وجود ندارد. «پیشانی»، جنگ مقدس در حال انتقال به جبهه مجازی است: به نحو افزونی، تیم‌های رسانه‌ای

59. GIMF

60. Anders Breivik

حرفه‌ای در صفوف واحدهای در حال نبرد برای دولت اسلامی جا گرفته‌اند و آنها در قالب یک شبکه جهانی از حامیان رسانه‌ای ترسیم شده‌اند. از سال ۲۰۱۱، اعضای انجمن‌های جهادی راهبردهای رسانه‌ای را موضوعیت بخشیده‌اند که گسترش و توسعه این مجاهدین رسانه‌ای^{۶۱} را تشویق می‌کند. در این راستا رسانه‌های اجتماعی به‌طور خاص در چارچوب پروپاگاندا تبلیغی هواخواهان دولت اسلامی ارزش و جایگاه یافته است. هر جا حساب‌های کاربری رسانه‌های اجتماعی از کار می‌افتد آنها فوراً یکی دیگر را راه می‌اندازند، یا بیشتر از آن اغلب، حساب‌های کاربری چندگانه‌ای آماده برای اقدام مدنظر دارند (Bartlett and Krasodonski, 2015:3-4).

بارتلت و همکارش اذعان می‌کنند که اخیراً بخشی از شواهدی را که گسترش حامیان دولت اسلامی را که به‌طور روزافزون و پرتابی از آخرین نرم‌افزارهای ضد نظارت استفاده می‌کنند بازتاب می‌دهد کشف کرده‌اند. آن پست‌های وبلاگی است که در شبکه به اشتراک‌گذاری متن justpaste (وب‌سایتی قانونی است که به مردم اجازه می‌دهد تا اسناد تصویری و متنی را به‌طور ناشناس آپلود کنند) آپلود شده است.

این نویسندگان اذعان می‌کنند: «ما معتقدیم که آن به‌طور شفاف هم چگونگی اهمیت حامیان دولت اسلامی را که تمایل دارند تا اینترنت به‌عنوان بخشی از مبارزه‌شان باشد، و هم آگاهی گسترده‌ای که آنها از ابزارهایی دارند که اجازه می‌دهد تا هویت‌شان را مخفی کنند و سانسور را دور بزنند بازتاب می‌دهد. داوری ما این است که این بلاگ سطح خوبی به‌نحو مستدل از دانش فنی که با این تکنیک‌ها و ابزارها آمیخته شده است را نشان می‌دهد، که در میان بهترین روش‌های فعلی برای حفاظت از حریم خصوصی آنلاین جای دارد (یا تا زمانی که بوسیله افراطی‌های اسلامی برای فرار از نظارت استفاده شده‌اند)» (Ibid:7-12).

یکی از ابزارهای رسانه‌ای اجتماعی کمتر بررسی شده و مورد مذاقه قرار گرفته که بوسیله ISIS استفاده شده Zello است، یک اپلیکیشن رمزگذاری شده برای تلفن‌های هوشمند و رایانه‌ها که به کاربران اجازه می‌دهد تا کانال‌هایی را برای اشتراک‌گذاری پیام‌های صوتی پی‌ریزی نمایند، که اغلب به وسیله فعالان حامی دموکراسی در خاورمیانه برای پنهان شدن از یک بررسی و نظارت اقتدارات حکومتی استفاده گشته، این اپلیکیشن اخیراً دوباره به‌وسیله ISIS به‌عنوان یک ابزار

هدایت‌گر ساده برای بیعت‌سازی با البغدادی موضوعیت یافته است. اپلیکیشن ضرورتاً گوشی‌های موبایل را به تاکی واک (دستگاه مخابراتی کوچک) مبدل می‌سازد، از این طریق هر کسی که جدی و مصمم باشد در مورد ISIS، یا در جستجوی پیوستن بدان باشد می‌تواند به مراسماتی که بوسیله روحانیون وابسته و پیوند یافته مشابه آنچه رقیبان مسیحی آن اجرا می‌سازند گوش نماید. به‌نحو باورنکردنی Zello کاربرپسند و کاملاً محبوب است در میان مخاطبان جوان‌تر ISIS (Weiss and Hassan, Op.Cit:114).

دولت اسلامی به‌طور حتم به تعیین قدرت و توان خود به دقت پرداخته و سناریوهای محتمل را در صورت درگیر شدن در نبردهای گسترده‌تر و با حضور بازیگران فراملیتی همچون ناتو در نظر دارد، اما زیرکی این گروه در استفاده از وسایل ارتباط جمعی مدرن می‌باشد که به این گروه یاری می‌کند تا از رخ‌دادن سناریوهای فاجعه‌بار و نابودکننده ممانعت به‌عمل آورد. قابلیت این گروه رادیکال اسلام‌گرا برای ارسال پیام‌های موثر و شورانگیز ماهرانه و حيله‌گرانه در پشتیبانی از اهداف خود در منازعه نظامی‌شان عالی است: تحریکات بدوی تکفیری‌ها، دشمنان‌شان را از داشتن اراده معطوف به نبرد و بازسازی افکار عمومی غرب در راستای درگیر شدن در جنگ دیگری در خاورمیانه بازمی‌دارد. به‌زعم تحلیلگر فارین پالیسی، سان تزو^{۶۲} استراتژیست قرون گذشته در چین، در مواجهه با تمهیدات این افراد تمایل پیدا می‌کند از جای خود برخاسته و برای ایشان کف بزند.

در این راستا می‌توان بیان داشت در واقع با تمهید استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، دولت اسلامی اقداماتی در راستای عملیات روانی با هدف تحقق بازدارندگی و تضعیف روحیه دشمن را مدنظر دارد.

از نظر تحلیلگران، در مقابل، اقدامات حکومت ایالات متحده در راستای دیپلماسی هشتگ^{۶۳}، رقت‌انگیز است (دیپلماسی هشتگ به‌عنوان یک رسانه از دو جنبه بهره می‌گیرد: ابتدا جنبه وارد نمودن ضربه سریع عاطفی با هدف متاثر ساختن مخاطب و دوم استفاده از هجو و تخریب سوژه که توأم با تصاویر موثر و احساس برانگیز و جملات و عبارات آنچنانی هستند که قابل توجه و

62. Sun Tzu

63. Hashtag Diplomacy

جذاب و جلب کننده‌اند). به اذعان کری اسپیکر تحلیلگر فارین پالیسی: «حکومت آمریکا به نظر می‌رسد فاقد توانایی برای استفاده از وسایل ارتباط جمعی مدرن برای نیل به مزیت واقعی است... چگونگی است که جامعه‌ای که دارای ویتترین‌های مغازه‌های واقع در خیابان مدیسون است، شرکت فیلمسازی خوداتکای مشهور هالیوود را دارد، دارای فیلم‌های جنجالی با تاثیرات ویژه است، از خلاقیت و نوآوری تکنیکی در ناحیه سیلیکون ولی^{۶۴} سود می‌برد و دارای یک کمپین سیاسی برجسته است و بنابراین در هنر ناب اپلیکیشن‌های مخابراتی و تصویری بی‌همتاست در حمایت از اهدافش عاجز است»؟ از دید این نویسنده پاسخ این امر در دو مورد قابل بیان است: ابتدا منافع مرتبط با خود تهاجم، و در وهله بعدی این مساله که تلاش‌ها و اقدامات حکومت آمریکا در حال پشتیبانی از یک راهبرد فراگیر و جامع نیست.

از این‌رو، به تعبیر تحلیلگران، شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر هنری در راستای شایسته‌ترین شیوه‌ها در جهت رویارویی با نبرد نامتقارن تلقی می‌شوند و از دید گروه‌هایی مانند دولت اسلامی تهدید به ناآرامی و حملات تروریستی ابزارهایی‌اند که می‌توانند دندان‌های قوی را تضعیف کنند؛ بنابراین رسانه اجتماعی ابزاریست برای کسانی که فاقد قدرتند تا بتوانند این خلاء را ترمیم کنند. بنابراین پیام رسانی دولت اسلامی باور در حال تکوین و هویت جنایتکارانه و بی رحمانه این گروه را تقویت می‌کند. و این امر با راهبردی گسترده تر مرتبط گشته: دور نگه داشتن ایالات متحده از دخالت نظامی. پیام گروه، آمریکایی‌ها را از ورود به درگیری و خشونت منطقه‌ای در روابط فرقه‌های مذهبی و دولت‌ها در خاورمیانه بازمی‌دارد و احساساتی را که نمی‌خواهند وارد این منازعه شوند تقویت می‌کند. این مساله به چرایی موثر بودن استفاده از شبکه‌های اجتماعی پاسخ می‌دهد (Schake: Ibid).

به تازگی، دپارتمان دولت در ایالات متحده یک حساب کاربری توئیتر را ایجاد نموده که «فکر کن دوباره به روگرداندن» خوانده شده است، که در آن عکس‌هایی از بیرحمی‌ها و صدمات ISIS توئیت می‌شود و پیوندهایی به روایت‌های خبری که آنها را توصیف می‌نماید برقرار می‌نماید. در همان ایامی که جهان در شوک کشتار روزنامه‌نگاران شارلی ابدو^{۶۵} در پاریس به سر می‌برد،

64. Silicon Valley

65. Charlie Hebdo

ISIS یا وابستگان و حامیانش ظاهر گشتند تا حساب‌های کاربری توئیتر و یوتیوب را از CENTCOM هک کنند، همراه با ارسال اسناد نظامی و تهدیدهای جهادگرایانه، شامل توئیتی تهدیدآمیز بدین مضمون: “سربازان آمریکایی، ما داریم می‌آییم، به پشت سرتان نگاه کنید”^{۶۶}. اتاق فکر کاخ سفید این واقعه را در حد یک اقدام “اوباشگری سایبری”^{۶۷} کم اهمیت جلوه داده بود که همدریف با یکی از اسناد “خلافت سایبری” است که هکرها منتشر نموده‌اند.

اسکات اتران^{۶۸} یکی از بسیار تحلیلگرانی است که فکر می‌کند که حکومت امریکا به قدر کافی گیرایی و جذابیت ISIS برای آن اکثریت حساس و در معرض خطری را که در معرض کشش آن قرار گرفته بودند را درک نکرده است (Weiss and Hassan, Op.Cit:116). البته از سوی دیگر صاحب‌نظران عقیده دارند که به مانند غلبه‌گرایی^{۶۹} در یک سو، تبلیغات ISIS از نقصان ذاتی همه آیین‌ها یا پیام‌رسانی‌های موعودگرایانه تحت فشار است: خلق انتظارات نادرست، که به نحو اجتناب‌ناپذیری به روند سینوسی و قهقرایی و سرخوردگی منجر می‌شود (Ibid: 113).

از این‌رو، نفوذ شبکه‌های اجتماعی گوناگون و تعدد نرم‌افزارهای پیام‌رسان لحظه‌ای و فروشگاه‌های متعدد اینترنتی برنامه‌های موبایل تبدیل به عامل بغرنج دیگری در برخورد با تروریست‌های داعش شده است. ریچارد برت، مامور پیشین سازمان اطلاعات انگلستان و مدیر انجمن نظارت بر القاعده در گزارش خود نوشته است که شبکه‌های اجتماعی رگ‌حیاتی عضویت داعش بوده‌اند. به گفته او: اکثر مخاطبانی که جذب شبکه داعش شده‌اند عمدتاً از جوانان در قسمت‌های شرقی مدیترانه بوده‌اند که با فیس‌بوک بیش از دیگر شبکه‌های اجتماعی کار می‌کردند اما بیشتر مخاطبانی که در حوزه خلیج فارس جذب این گروه شده‌اند بیشتر از توئیتر استفاده می‌کردند. این عضوگیری‌ها و تبلیغات گسترده جهادی تروریستی در حالی انجام می‌شود که کشورهای اروپایی به دلیل قانون‌های مربوط به آزادی بیان تا به حال اقدام کامل و جامعی را برای برخورد با این وب‌سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی انجام نداده‌اند. این تکثیر باورنکردنی وب‌سایت‌های تروریستی یکی از عوامل گرایش جوانان غربی به این گروه‌های

66. “AMERICAN SOLDIERS, WE ARE COMING, WATCH YOUR BACK”

67. Cyber Vandalism

68. Scott Atran

69. Triumphalism

تروریستی است. روهان گوناراتان رییس مرکز تحقیقات بین‌المللی تحقیقات تروریستی و خشونت سیاسی در سنگاپور در مصاحبه‌ای با شبکه فرانس ۲۴ به این نکته اشاره کرد: از بسیاری جهات، تروریست‌ها در عرصه اینترنتی از موفقیت فراوانی برخوردارند. طبق آمار که این کارشناس ارائه داده است بیش از ده هزار وب‌سایت اینترنتی برای تبلیغ دیدگاه‌های افراطی و تروریستی در جهان وجود دارد و این در حالی است که تنها یکصد وب‌سایت اینترنتی برای مقابله با این دیدگاه‌ها در اختیار مردم قرار گرفته است که بسیاری از این پایگاه‌ها در واقع فعالیتی نیمه تعطیل دارند. این امر باعث شده که جوانان اروپایی که نه دیدکافی از اسلام دارند و نه تحلیل عمیقی از تحولات سیاسی، جذب این گروه‌های تروریستی بشوند. داعش و طرفداران منطقه‌ای آن برای جذب نیرو از هیچ اقدامی فروگذار نکرده‌اند؛ از تولید انیمیشن و پوستر و فیلم گرفته تا تولید تی‌شرت و فروش آن در اینترنت (مقامی، پیشین: ۹۶).

محمدعبدالله یونس کارشناس امور منطه ای در مطالعاتی که در مرکز بین‌المللی افراط‌گرایی در دانشکده پادشاهی در لندن در نیمه‌های آوریل ۲۰۱۴ صورت گرفته اذعان دارد نیروهای جهادی مخالف اسد و دولت مالکی برای افزایش توانایی‌های نظامی خود از اینترنت و صفحات اجتماعی استفاده می‌کنند و از طریق اینترنت نه تنها اقدام به جذب نیرو می‌کنند بلکه بسیاری از ادوات و مهمات نظامی موردنیاز خود را تهیه می‌کنند. این گروه‌ها با استفاده از شبکه‌های حراجی اینترنتی نظیر Ebay و علاءالدین تجهیزات و ادوات نظامی و مخابراتی را تهیه می‌کنند و با در اختیار گذاشتن آدرس‌هایی در کشورهای همسایه عراق و سوریه تجهیزات خود را تحویل گرفته و علیه دولت مرکزی استفاده می‌کنند. وی در این راستا به این نکته اشاره می‌کند که تنها یکی از گروه‌های جهادی توانسته است با تبلیغ در صفحات اجتماعی حدود ۱۱ هزار نیروی تروریست را جذب کند. بنابراین گزارش، جنگ سوریه و اقدامات اخیر داعش در عراق نخستین نبردهایی هستند که در آن اینترنت و صفحات اجتماعی جایگاه ویژه‌ای را در بسیج و ایجاد تشکیلات مبارزان به وجود آورده‌اند.

از سوی دیگر، گزارش صادره از سوی آکادمی مطالعات رسانه‌ای خاورمیانه در واشنگتن که در ۱۸ آوریل گذشته منتشر شد، نشان داد که تحولی ساختاری در گفتمان رویکردهای جریان‌های تکفیری در راستای جذب عناصر افراطی ایجاد شده است و این گروه‌ها بیشتر روی صنعت جذاب‌سازی جهاد در سوریه و عراق از طریق تمرکز بر قدرت ادامه زندگی عادی مردم و

طرفداران این گروه‌ها در سوریه و عراق تکیه دارند. این مساله سبب شده است توقعات از کشورهای اروپایی در این زمینه افزایش یابد و از آنها خواسته شود در مبارزه با گروه‌های تروریستی و جهادی در فضای سایبری فعالیت بیشتری داشته باشند و بسیاری از امکانات آنها را در این محیط ببندند. آنچه در حال حاضر بیش از همه باعث نگرانی جامعه غربی شده بازگشت گروه‌های جهادی از سوریه و عراق به اروپا و آغاز فعالیت‌های گسترده در فضای سایبری است که می‌تواند ضمن تاثیرگذاری بر افکار عمومی اروپا، آنها را علیه غرب تهییج و تشویق کند. اقدامی که فیگارو آن را به اسب تروای جنگی از درون تعبیر کرده است (همان: ۹۷).

در همین پیوند، یعنی ورود اسلام سیاسی به دنیای مجازی، «گری بانت»^{۷۰} در کتابی به نام «اسلام در عصر دیجیتال، جهاد، فتوهای آنلاین و محیط اسلامی سایبر»، معتقد است که به دلیل محدودیت‌های دولت سکولار در خاورمیانه و غیریت‌سازی اروپایی و آمریکایی از مسلمانان در جوامع خود، دنیای مجازی، به‌شکلی محل و بزنگاه تولید و بازتولید گفتمان اسلام سیاسی شده است. از دیدگاه او، جهاد و فتوهای آنلاین به‌سرعت و بدون نظارت دستگاه‌های رسمی در خاورمیانه و در محیط سایبری اسلام مورد علاقه جوانان مسلمانی شده است که اسلام را از طریق این محیط به دنیای واقع تسری و تعریف می‌کنند.

«اد حسین»^{۷۱} در کتابی با نام «الاسلاموی»، معتقد است که این وظیفه مسلمانان جهان است تا برای برپایی و بازگشت خلافت اسلامی در خاورمیانه در خارج از خاورمیانه، حتی در انگلستان و دانمارک و فرانسه برای برپایی این آرمان تلاش کنند. به‌زعم وی دنیای مجازی سهم به‌سزایی در این گفتمان رادیکال دارد (ابراهیمی، پیشین: ۲۶۵-۲۶۴).

ISIS همچنین ابزارهای آنلاین دیگری برای شستشوی مغزی جوانان داشته است همانند مجله دابق^{۷۲}. در بیشتر گفتمان عمومی‌اش، ISIS بر دسته‌بندی اسلامی برای بسیج و مشروعیت تکیه دارد. حدیثی که منسوب به محمدرسول‌الله (ص) است، درباره یک نبرد آخرالزمانی^{۷۳} میان مسلمانان و مسیحیان در دابق، شهری در آلبوی روستایی، یک نشانه ارجاعی مکرر است، آن‌چنان فراگیرنده که

70. Gary Bunt

۲. عضو سابق حزب التحریر بوده است

72. Dabiq

73. end-of-days battle

مجله تبلیغی ISIS به آن نامیده شده است. محتوای دابق، هسته اصلی ماموریت ISIS و رفتار بواسطه یک منشور آخرت‌گرایانه را توضیح می‌دهد (Weiss and Hassan, Op.Cit:114-115). تحلیل محتویات انتشار یافته از طریق شبکه‌های اجتماعی برخی مشکلات کیفی را مطرح ساخته است. در کنار آن تحلیل کمی پیام‌ها نیز صورت گرفته است که نتایج دو تحقیق یکی تحقیق دانشگاه برن‌دیس که در سطور پیشین این نوشتار نیز به آن اشاره شده و دیگری مطالعه‌ای که بوسیله مرکز بین‌المللی برای مطالعه افراطی‌گری و خشونت سیاسی کالج کینگ صورت گرفته است قابل اشاره و توجه می‌باشند. نتایج این مطالعات بوضوح برتری پیام‌های مرتبط با عقاید و تعالیم را در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهند. در میان اینها، ارجاعاتی به اصول سلفی وجود دارند، که تکریم شهادت را مدنظر قرار داده و به چهره‌های کلیدی جهادگرایی جهانی از جمله بن‌لادن ارجاع می‌دهد. تا آنجا که این دکترین‌ها دامنه و عمق می‌یابد، گروه‌های متفاوت اغلب به مشروعیت‌زدایی از یکدیگر تمایل دارند. تکفیر^{۷۴} (ابراز اتهام بی‌ایمانی) پیام‌هایی را میان دسته‌های رقیب می‌فرستد که غیرمعمول نیستند، و همچنین گروه‌ها بر این مبنا امکان دارد همدیگر را خارجی و از خوارج^{۷۵} بپندارند و خطاب کنند. بر این مبنا تلاش‌های گروه‌های جهادگرا ریشه در دست‌یابی ایشان به یک مشروعیت الهیاتی تردیدناپذیر دارد. دولت اسلامی، برای نمونه، در مجله دابق تقریباً همیشه حدیثی را از مجموعه‌های مسلم و بخاری^{۷۶} نقل می‌کند، که اثری عمدتاً معتبر در حوزه خود قلمداد می‌شود.

بررسی محتویات ارسال شده توسط جنگاوران اروپایی در قالب این مطالعات، طیفی از به‌روزرسانی‌ها از عرصه نبرد که درجات متفاوتی از خشونت را نیز دارند تا تصاویری از مجاهدینی که به کودکانشان شیر می‌دهند را دربرمی‌گیرد. این عدم تجانس در ویدئوها و کلیپها نیز انعکاس یافته و از تعزیرات شرعی تا مراسمات بیعت عمومی با خلیفه را بازتاب می‌دهد. به‌زعم محققان اینها به‌طور عمده پروژه‌های قدرت هستند در این راستا که منادیان خواستارند تا نفوذشان را در بستری که آنها دست به اقدام می‌زنند نشان دهند و بر این اساس به الگوهای رمانتیک یا قهرمانانه‌ای از تلاش‌های انسانی فرضی برای رهایی مردم مسلمان از فشار و سرکوب

74. Takfir

75. Kharijita

76. Muslim and Bukhari

مباهات کنند. از این‌روست که حجم گسترده‌ای از تصاویر اوباشگری‌ها و درگیری‌ها و اعمال مخاطره‌آمیز را ارسال می‌نمایند. به‌زعم محققان این دسته از مبارزان تجربه یک بازی ویدئویی را در زندگی خود تکرار می‌کنند. بر این اساس به‌زعم محققان پیام‌ها برضد دسته‌جات دشمن، اغلب با تصاویری از قربانیان بی‌گناهی که دشمنان موجب آن بوده‌اند همراه شده است. تمایل عمده بر غیرانسانی ترسیم نمودن رقیب است و در حالیکه هم‌زمان کشته شده در حالت‌های آرام و متین ترسیم شده‌اند، دشمنان کشته شده اغلب به ستونی از پیکرهای پاره پاره شده تقلیل یافته‌اند. از دیگر کاربردهای شبکه برای مبارزان تکفیری مبادله اطلاعات، هماهنگی اقدامات و ارسال تهدیدات کلی به غرب است. چنین گوناگونی و تنوعی از محتوای تبلیغاتی در راستای تحقق‌گیری پیام جهادگرایی برای شمار گسترده‌ای از مردم ایجاد شده است.

بر این اساس سوریه مکانی سهل‌الوصول ترسیم شده که رهایی از آن معرکه نیز براحتی ممکن است و پیام‌ها و تبلیغات همه دلالت بر جنبه جذاب نبرد در مهد جهان عرب داشته و بستری را مجسم می‌کند چنان که برخی جنگاوران تعریف کرده‌اند «جهادی پنج ستاره» را بازتاب می‌دهد. در مطالعه‌ای که بوسیله CPDSI (مرکز پیشگیری از انحرافات فرقه‌گرایانه اسلامی)^{۷۷} صورت گرفته، برخی الگوهای مرتبط با نفوذ و تاثیرگذاری تبلیغات بر پایه نوعی از محتواها و مشخصه‌های فرد دریافت کننده برجسته شده است. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که مردمی که از اضطراب و یا افسردگی رنج می‌برند به‌طور ویژه‌ای به نحوی شدید به پیام‌های قوی اعتقادی حساسند، که به آنها در مورد نااطمینانی نسبت به آینده از طریق ارائه دادن یک سیستم زندگی بر پایه مجموعه‌ای محدودشده از هنجارهای شفاف قوت قلب و اطمینان دوباره می‌دهد. نمونه مردمی که در خانواده‌های خداناباور یا به نحو افراطی تساهل‌گر پرورش یافته‌اند از نظر محققان بسیار مشابه با وضع فوق می‌باشد (Arnaboldi and Vidino, Op. Cit: 133-137).

نتیجه‌گیری

در پایان این نوشتار در قالب جمع‌بندی و نگاهی به یافته‌های پژوهش در راستای آزمون فرضیه پژوهش می‌توان گفت خیزش و بروز و ظهور جریان IS در چارچوب موج سوم تروریسم، در

77. Center for the Prevent of Sectarian Deviations of Islam

قالب خرده‌گفتمانی صورت‌بندی شده که در واقع مرحله متاخر و جهش یافته و پیشرفته ابرگفتمان سلفی-تکفیری می‌باشد که دامنه و ابعاد مکانی و حوزه نفوذ پروژه سیاسی خود را در مقیاسی وسیع‌تر تعریف و طرح‌ریزی نموده است. در بُعد بهره‌گیری از تکنولوژی‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی و تکنیک‌های رسانه‌ای نیز این جریان سعی نموده به موازات عرصه میدانی نبرد خود را به‌روز نماید و با درک مقتضیات زمانه به نوعی نگاه دوفضایی و دورگه مجازی-واقعی را پوشش دهد و بر این مبناست که مفهوم ژئوگفتمان برای تحلیل کنش‌های این جریان موضوعیت می‌یابد.

از این‌رو، این جریان اهتمام نموده اندیشه‌های کهنه و جزمی خود را از طریق ابزارهای نوین و مدرن در بستری بازتعریف و احیاء نماید که تصویری جذاب از صنعت جهاد را در نزد جامعه هدف مخاطبانش فراهم آورد. بر این مبناست که اعضاء و افرادی که به این جریان می‌پیوندند از نظر خاستگاه افرادی سرخورده و حاشیه‌ای شده در جوامع خود هستند که نبرد در خاورمیانه و پیوستن به این جریان را به مثابه فرصتی برای تغییر و جهش در زندگی خود و معنابخشی به حیات پوچ و راکد و تهی از هدف خود می‌پندارند. از این رو این عرصه به مثابه میدانی برای نیل به آمال و آرزوها و تخلیه کمپلکس‌های روحی و روانی و تخلیه هیجان و عمل‌گرایی در امتداد هدف جامعه عمل پوشاندن به امپراطوری اسلامی برای ایشان متجلی می‌گردد.

آن‌چنان که در سطور گذشته در این نوشتار نیز بیان شد امروزه در عرصه وفور اطلاعات و نمایشی شدن رویدادها و تحول در ابعاد نبرد، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیز وجه مکمل عرصه فیزیکی نبرد را تشکیل می‌دهند. بنابراین عملیات روانی و تغییر ایستارهای مخاطبان از مجرای خبر و تصویر، بخشی مهم و همان امتداد منازعه تلقی می‌شود. از این جهت در جهانی که واقعیت و مجاز در تداخل و التقاط قرار گرفته‌اند و کالدها، رقابت‌ها و تحولات وجهی کاذب و پوشالی و Fake به خود گرفته و دستکاری‌ها و صحنه‌سازی‌ها و تقلب‌ها چه در وجه فیزیکی و کالبدی و چه وجه فکری و روانی بر روال نرمال و جریان عادی و استاندارد غلبه نموده (سندروم قورباغه و قناری) و همان‌گونه که در عرصه ورزش و مد با دوپینگ و اندام‌های هورمونی و پروتزی و عمل شده مواجه‌ایم در عرصه فکر و اندیشه و سیاست و فرهنگ نیز به مدد کارکرد رسانه، در صورتی شدیدتر این روند را می‌توانیم مورد بازشناسی قرار دهیم و آگاهی به همین فرمول‌ها و رمز و رازها و شگردها و تکنیک‌های رسانه‌ای است که

دست‌اندرکاران IS را برای بازتعریف پروژه رسانه‌ای خود توانا ساخته است. بنابراین رسانه و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی فرصت و عرصه بی‌نظیری برای تکوین پروژه سیاسی و قدرت مانور این جریان فراهم ساخته است؛ آن چنان که اعلام خلافت ابوبکر البغدادی سرکرده این جریان و بازتاب آن در شبکه‌های مجازی به طعنه از سوی رقبای این جریان به «خلافت توئیتری» موسوم شده است.

کتابشناسی

۱. ابراهیم‌نژاد، محمد (۱۳۹۳)، داعش، دولت اسلامی عراق و شام؛ تحلیل و بررسی تاریخ و افکار، قم، انتشارات دارالعلام لمدرسه اهل البیت (ع)؛
۲. ابراهیمی، نبی‌اله (۱۳۹۲)، نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت در خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی؛
۳. بوردیو، پیر (۱۳۸۷)، فرهنگ عمومی و چالش‌های جهانی شدن، ترجمه ماهر آموزگار، تهران، نشر مرکز؛
۴. حسینی، سیدمجید و افضل‌ی، رسول و ... (۱۳۹۲)، رسانه و قدرت: سیمای سینمایی خاورمیانه، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره دوم؛
۵. دادز، کلاوس (۱۳۹۲)، رویکرد نوین به: ژئوپلیتیک انتقادی، ترجمه رسول افضل‌ی و ...، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی؛
۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۴)، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه انتشاراتی روزنامه ایران؛
۷. سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۷)، تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸؛
۸. ----- (۱۳۹۱)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نشر نی؛
۹. سیدامامی، کاووس (۱۳۸۷)، پژوهش در علوم سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)؛
۱۰. شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و ترکمان نجف‌لوی، مجید و شیراوند، صارم (۱۳۹۳)، تحلیل گفتمانی نگاه بازیگر آمریکایی و ایرانی به مفهوم تروریسم، در مجموعه مقالات اولین کنفرانس جهان علیه خشونت و افراطی‌گری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، پاییز؛
۱۱. ضیایی‌پرور، حمید (۱۳۸۹)، جنگ نرم سایبری در فضای شبکه‌های اجتماعی، خردنامه همشهری، ویژه

- امه تحلیلی آرایش رسانه‌ای، آبان ۸۹، شماره ۶۲:
۱۲. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۹)، فضای مجازی، استعمار مجازی، خردنامه همشهری، ویژه‌نامه تحلیلی آرایش رسانه‌ای، آبان ۸۹، شماره ۶۲:
۱۳. کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳)، شبکه‌های خشم و امید (جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت)، ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران، نشر مرکز:
۱۴. کوثری، مسعود و نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۶)، اسلاوی ژیزک و آمریکایی شدن زیست، جهان ما، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۱:
۱۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چ سوم، تهران، انتشارات سمت:
۱۶. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۹۱)، وسایل ارتباط جمعی، چ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی:
۱۷. منوچهری، عباس و دیگران (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، انتشارات سمت:
۱۸. مقامی، علی (۱۳۹۳)، اسب تروای غرب، مهرنامه، سال پنجم، شماره ۳۶:
۱۹. نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۳)، ترومای خشونت و افراط‌گرایی سیاسی: ضرورت بازشناسی انتقادی، در مجموعه مقالات اولین کنفرانس جهان علیه خشونت و افراط‌گری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، پاییز:
20. Al-Qarawee, Harith Hasan (2015), "The Discourse of ISIS: Messages, Propaganda and Indoctrination", in: Maggioni, Monica and Magri, Paolo (2015) "The Failed Crusade (Twitter and Jihad: The communication Strategy of ISIS)", Milan, ISPI;
21. Arnaboldi, Marco and Vidino, Lorenzo (2015), "The Caliphate, Social Media and Swarms in Europe: The Appeal of the IS Propaganda to 'Would Be' European Jihadists", in: Maggioni, Monica and Magri, Paolo (2015), "The Failed Crusade (Twitter and Jihad: The Communication Strategy of ISIS)", Milan, ISPI;
22. Bartelett, Jamie and Krasodomski-Jones, Alex (2015), "Online anonymity Islamic state and surveillance", Demos;
23. O tuathail, Gearroid and Agnew, John (1992), "Geopolitics and discourse: Practical geopolitical reasoning in American foreign policy", Political Geography, Vol. 11, No. 2;
24. Schake, Kori (2014), "@ISIS Is #Winning", available at: <http://www.foreignpolicy.com/article/2014/07/09/html>;
25. Weiss, Michael and Hassan, Hassan (2015), "ISIS; Inside the Army of Terror", New York, Regan Arts.